



Using the concept of apparatus to study the rationality of Governance in the production of exam Subjects (A Case Study of Entrance Exam Institutions)

Abbas Hadadian¹ | Ali Rabbani² | Reza Hemmati³ | Arash Heydari⁴ | Ghasem Zaeri⁵

1. PhD Student university of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: hadad44@yahoo.com
2. Professor at the university of Isfahan; Isfahan, Iran. Email: rabbani@ltr.ui.ac.ir
3. Corresponding Author ,Associate Professor at the university of Isfahan; Isfahan, Iran.. Email: rhemati@gmail.com
3. Assistant professor at the university of science and culture; Tehran, Iran.. Email: arash.heydari83@gmail.com
3. Assistant professor at the university of Tehran; Tehran, Iran.. Email: gasem.zaeri@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

22 November , 2023

Received in revised form:10

April 2023

Accepted: 26 May 2023

Published online: 10 June

2023

Keywords:

Entrance Exam Institutions,
Governance, Apparatus,
Entrance Exam Subject,
Neoliberal, Genealogy,
Discourse of Individual
Success

ABSTRACT

This monograph studies and analyses the role of entrance exam institutions in the expansion and development of Neoliberal thought in the life area of the students 'daily life. . In addition, special attention is paid to the genealogical study, the emergence of neoliberalism and the expansion of entrance exam institutions in post-war Iran, and to the spread of normalized market logic as a basis for decision-making and actions. The purpose of this article is to describe how the new cultural-economical order (neoliberalism) creates a "new scenario of subjectivity" (the exam subject) that did not exist before. This new scenario in relation to the rise of neoliberalism in Iran and to the hegemony of individually successful discourse has been formed. . The findings of this research using the method of the genealogy show that there is a special relationship between the rationality of neoliberal governance, subjectivity, and acceptance view of the entrance exam population. This similarity and connection are based on the case study of "Konkur Institutions", institutions that have caused the emergence of a new population and generation, called "Konkur Subject" in the society have their own way of life. After the end of the war, these institutions found a new identity and presented a mechanism of new socialization under the title of "Subject-Maker Apparatuses". These institutions, with the help of various new apparatuses, have falsified subjects and created a framework that included "Institution-Oriented" actions to persuade and encourage students to internalize the values and beliefs of the neoliberalism system..

Cite this article: Hadadian, A.; Rabbani, A. Hemmati, R; Heydari, A & Zarei, Gh. (2023). Using the concept of apparatus to study the rationality ... *Journal of Social Problems of Iran*, 13 (2),85-108.

<https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92828>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

. DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92828>

استفاده از مفهوم آپاراتوس برای مطالعه عقلانیت حکومت‌مندی در تولید سوژه کنکوری

(مطالعه موردی مؤسسات کنکور)

عباس حدادیان^۱ | علی ربانی^۲ | رضا همتی^۳ | آرش حیدری^۴ | قاسم زائری^۵

۱. دانشجوی دکترا دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: hadad44@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: rabbani@ltr.ui.ac.ir

۳. نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: rhemati@gmail.com

۴. استادیار دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران، رایانامه: arash.heydari83@gmail.com

۵. استادیار دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: gasem.zaeri@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این تکنوگاری نقش مؤسسات کنکور را در گسترش و توسعه اندیشه نو لیبرال در حوزه زندگی روزمره دانش‌آموزان مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهد. علاوه بر این توجه خاصی به مطالعه تبارشناسانه برآمدن نو لیبرالیسم و به تبع آن گسترش مؤسسات کنکور در ایران پس‌انگ و فراگیر شدن منطق بازاری به هنجار شده به مثابه بنیانی برای تصمیم‌گیری و کردارها، نموده است. هدف مقاله توصیف این امر است که چگونه نظم جدید فرهنگی-اقتصادی (نو لیبرالیسم) یک «سناریوی جدیدی از سوژکتیویته» (سوژه کنکوری) که قبلاً وجود نداشته است را خلق می‌کند این سناریوی جدید در نسبت با برآمدن نو لیبرالیسم در ایران و در نسبت با هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی شکل گرفته است. یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش تبارشناسی نشان می‌دهد که پیوند خاصی بین عقلانیت حکومت‌مندی نو لیبرال، سوژکتیویته و رؤیت پذیرش شدن جمعیت دانش‌آموزی کنکوری وجود دارد. این هم‌ایندی و پیوند مبتنی است بر مطالعه موردی «مؤسسات کنکور»، مؤسساتی که سبب ظهور جمعیت و نسلی جدیدی به نام «سوژه کنکوری» در جامعه شده است که شیوه زندگی خاص خود را دارد. این مؤسسات پس از خاتمه جنگ هویت جدیدی پیدا نموده و مکانیسمی از جامعه‌پذیری جدید با عنوان آپاراتوس‌های سوژه ساز را ارائه داده‌اند. این مؤسسات با کمک انواعی از آپاراتوس‌های جدید، سوژه‌های را جعل و چارچوبی را بوجود آورده‌اند که متضمن اقدامات «موسسه محور» بوده و در راستای ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به درونی کردن ارزش‌ها و باورهای نظام نو لیبرالیسم است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
مؤسسات کنکور، حکومت‌مندی، آپاراتوس، سوژه کنکوری، نو لیبرال، تبارشناسی، گفتمان موفقیت فردی.	

استناد: حدادیان، عباس؛ ربانی، علی؛ همتی، رضا؛ حیدری، آرش. و زائری، قاسم. (۱۴۰۱). استفاده از مفهوم آپاراتوس برای مطالعه عقلانیت حکومت‌مندی در تولید

سوژه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۸۵-۱۰۸. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92828>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92828>

۱. مقدمه و طرح مسئله

مواجهه انضمامی با واقعیت نشان می‌دهد که طی سال‌های پساچنگ با برآمدن نظم جدید سیاسی - اقتصادی (نولیبرال) با سوژه هاو فیگورهای مواجهه هستیم که در قیاس با سوژه‌های قبل (زمان جنگ) بسیار متفاوت اند این تمایز هاو تفاوت ها، بازنمایی کننده چرخش گفتمانی در فضای فرهنگی و آموزشی کشور و هژمون شدن گفتمانی (موفقیت فردی) است که در پرتو میانی آن، موسسات کنکور، سوژه کنکوری را جعل نموده اند، سوژه ای که از مختصاتی برخوردار است که با سوژه نئولیبرال همخوانی دارد از قبیل: فردگرا، تمیزه، رقابت جو، خودتنظیم گر، سودجو، شیء واره گی عاطفی، لذت طلب (اباذری، ۱۳۹۶، عسگری ۱۳۹۷، حیدری، ۱۳۹۶).

بر همین اساس مسئله و پرسشی که مطرح است این است که به راستی چه شرایط گفتمانی و غیرگفتمانی در محیط های آموزشی کشور به وقوع پیوسته که نتیجه و حاصل آن بر ساخت سوژه هایی با چنین مختصات و ویژگی هایی است. برای پاسخ گویی به این سئوالات و فرضیه ها نمودار شد، که احتمالاً اعمال سیاست های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی (نولیبرال) و هم ارزشدن آن با هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی و رواج و گسترش میانی های چون موسسات کنکور در ایران پساچنگ سوژه خاصی را تحت نام "سوژه کنکوری" جعل نموده است.

به بیان دیگر به موازات رشد عقلانیت حکومت مندی نئولیبرال در ایران و گسترش میانی های سوژه سازی چون موسسات کنکور، الگو و فرم خاصی از سوژه دانش آموزی در ایران بر ساخت شده که دقیقاً متناظر با ویژگی های سوژه نئولیبرال است. این میانی ها (موسسات و آموزشگاه های آمادگی کنکور) که در این مقاله از آنها تحت عنوان آپاراتوس ها و تکنولوژی های سوژه ساز نام می‌بریم، پس از خاتمه جنگ و هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی تحت تاثیر نظم جدید اقتصادی - سیاسی، صبغه و رنگ و لعاب تجاری، اقتصادی یافته و در ذیل گفتمان موفقیت فردی با بکارگیری انواع آپاراتوس های تبلیغی، سوژه کنکوری را بر ساخت نموده اند.

از زاویه دیگر مسئله مندی سوژه دانش آموزی و اقبال و مراجعه گسترده دانش آموزان به این مؤسسات و افزایش قارچ گونه آن‌ها در سال‌های اخیر و گسترش واژگان‌های چون صنعت کنکور، مافیای کنکور، غول کنکور، سد کنکور، دانش‌آموز کنکوری، گفتمان بازاری، کالای شدن آموزش، بورژوازی آموزشی و... در فرهنگ عامه پریسامد نموده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر تعداد این مؤسسات در سراسر کشور بسیار فراگیر و گسترش یافته است. در همین رابطه بر اساس اسناد و آرشیوهای موجود تقریباً ۵۲۰۴ باب آموزشگاه علمی آزاد با مجوز رسمی کشور فعالیت می‌کنند و حدود ۴۰۰ هزار دانش‌آموز را زیر پوشش دارند (حسینی لرگانی و محمدی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر ظهور و بروز مفاهیم و گزاره‌ها و احکام جدیدی چون بورژوازی آموزشی، کارآفرینی، موفقیت فردی، رقابت جویی، منفعت جویی، لذت جویی، فردگرایی و... که با گزاره‌ها و احکام گذشته سخت چندان‌ی ندارد، منجر به گسست و چرخش گفتمانی از گفتمان معنویت سیاسی به گفتمان موفقیت فردی شد و در نتیجه کنکور مسئله مند گردید. در این جابجایی آنکه مسئله مند بودن موضوع رایبشتر نشان دهیم و بر اهمیت آن تاکید کنیم برای نمونه به آمار های گزارش شده بررسی در کمیسیون آموزش مجلس اشاره می‌کنیم که گردش مالی این مؤسسات را در سال رقمی در حدود ۷ هزار میلیارد تومان اعلام نموده است در حالی که گردش مالی وزارت آموزش و پرورش با ۱۲ میلیون و ۸۵۰ هزار نفر و ۱ میلیون ۱۳ هزار و ۶۵۵ معلم چیزی در حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان بر آورده شده است (حسینی لرگانی و محمدی، ۱۳۹۶). بر همین اساس مسئله و پرسشی که مطرح است این است که نظم جدید، گفتمان جدید و موسسات کنکور در بسترد کدام شرایط اجتماعی - تاریخی ممکن شده که بر آنند آن جعل سوژه بهنجاری یعنی سوژه کنکوری شده است به تعبیر دیگر مسئله این است که این مؤسسات علی‌رغم ادعاهایی که دارند و خود را آموزش در سایه معرفی می‌کنند صرفاً اهداف تجاری و انتفاعی در سر داشته و بدون در نظر گرفتن آینده دانش آموزان با انواع ترفندهای تبلیغی و به کارگیری انواع آپاراتوس های

سوژه ساز تعداد کثیری از دانش آموزان را جذب نموده و به زبان آلتوسری آن‌ها را فراخوانده و استیضاح^۱ نموده و مبدل به سوژه کنکوری می‌نماید. سوژه‌های که از ویژگی‌های چون رقابت‌جویی، لذت‌طلبی، سودجویی، خودتنظیم‌گری و غیره برخوردارند. نکته دیگر اینکه هرچند این موسسات یک نهاد ضروری قلمداد نمی‌شوند ولی به عنوان پدیده‌ای که مبدل به یک صنعت و مافیاشده می‌توان آن را به عنوان یک "واقعیت اجتماعی تجسد یافته" قلمداد کرد که حضور آن در سیستم آموزشی کشور پذیرفته شده است. رشد حیرت‌آور این موسسات به عنوان آموزش در سایه مسئله مند شدن آن، پرسش‌های متعددی را بوجودی آورد از جمله اینکه هژمون شدن این موسسات در فضای فرهنگی - آموزشی کشور چه تبعاتی را به همراه داشته و اینکه این موسسات با کمک آپاراتوس‌های تبلیغی خود، چگونه سوژه کنکوری را بر ساخت نموده‌اند. این سؤالات و سؤالات نظیر آن کمتر مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است بخصوص اینکه تحلیل و مطالعه تبارشناسانه موسسات کنکور و بر ساخت سوژه کنکوری تا بحال در محافل آکادمیک و غیر آکادمیک صورت نگرفته است.

با این اوصاف، مقاله حاضر به بررسی، تحلیل و فهم نسبت موسسات کنکور و بر ساخت سوژه کنکوری از رهگذر آپاراتوس‌ها و تکنیک‌های تبلیغی سوژه‌ساز می‌پردازد. به عبارت دیگر می‌خواهیم نشان دهیم که دانش آموزان چگونه در دروه پسا جنگ از خلال میانجی‌ها، تکنیک‌ها و آپاراتوس‌های تبلیغی موسسات کنکور، تولید، مدیریت و کنترل می‌شوند. بطور قطع و یقین بخشی از این مسیر، مسیری تربیت کنکوری و تولد آموزشگاه‌های کنکوری از قبیل قلمچی، گاج، مبتکران، ماهان، گزینه ۲ و... است که دانش آموزان و سوژه‌گی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و تولید می‌کند و در سطح غیر گفتمانی بالارفتن جمعیت دانش‌آموزی و قرارگیری افراد پشت کنکوری به تولد استراتژی‌های انضباطی منجر می‌شود که حول گفتمان موفقیت فردی سامان گرفته‌اند که در این فرایند چیزی به نام دانش‌آموز پشت کنکوری را بوجودی آورد.

مسئله مکانیسم سوژه‌سازی و بر ساخت سوژه‌هایی که همخوان با سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی جدید در ایران است، کمتر مورد توجه بوده است و در این مورد نه تنها پروژ و طرح کلی وجود ندارد بلکه مطالعه موردی و تجربی هم در باب نئولبرالیته شده سوژه دانش‌آموزی هم نداریم و این در حالی است که می‌توان به واسطه مطالعات تجربی، تبارشناسانه و نشانه‌شناسانه شاکله بدست آورد و ابعاد شاکله و طرح کلی را روشن کرد.

۲. اهداف و پرسش‌های تحقیق

مدعای اصلی مقاله حاضر، آن است که در سه دهه عقلانیت حکومت مندی نو لیبرال و هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی در جامعه ایران منجر به مسئله مند شدن مؤسسات کنکور و سوژه کنکوری (دانش‌آموز کنکوری) شده است. هدف این مقاله، دنبال کردن مسیری است که در طول دوران پسا جنگ مؤسسات و گفتمان موفقیت فردی و سوژه کنکوری ظهور و بروز پیدا نموده است. لذا بر اساس این اهداف دو پرسش پژوهشی مرتبط با یکدیگر در مقاله حاضر دنبال می‌شود:

- ۱- مؤسسات کنکور در بستر کدام شرایط تاریخی و اجتماعی ممکن شده‌اند
- ۲- بابکارگیری چه آپاراتوس‌هایی این مؤسسات در قالب گفتمان موفقیت فردی (که بر شیوه خاصی از معرفی سوژه مبتنی است) سوژه کنکوری را جعل نموده‌اند.

¹ interpellation

۳. پیشینه تحقیق

عمده پژوهش‌هایی که درباره کنکور و مؤسسات کنکور در ایران صورت گرفته صرفاً متمرکز بر آسیب‌های روان‌شناختی و تحصیلی کنکور، حذف کنکور، تجربه زیسته شرکت در کنکور، چالش‌های کنکور، آسیب‌شناسی کنکور، اثرات اجتماعی کنکور پساانقلاب و غیره بوده‌اند (برای مثال پارسائیان و منتظر ۱۴۰۰، کریمی ۱۳۹۶، کاظمی ۱۳۹۵، حج فروش ۱۳۸۱، کیانی ۱۳۹۴، سبحانی و شهیدی ۱۳۸۶، عسگری و دیگران ۱۳۹۷، امیدیان و دیگران ۱۳۹۷، فتح‌آبادی و دیگران ۱۳۹۶، کلاهی ۱۳۹۸) بدون آنکه مسئله را در نسبت با نحوه ساخت یابی دانش‌آموزان و نسبت آن‌ها با مناسبات اقتصادی، روان‌شناختی و پیدایش سوژه‌های مرتبط با آن وضعیت را مطرح کند و بدون آنکه نحوه بازتولید ارزش‌های نولیبرال حاکم بر مؤسسات کنکور و چگونگی مواجهه دانش‌آموزان را با آن موردتوجه و بررسی قرار دهند.

عمده‌ترین نقدی که به پژوهش‌های انجام شده درخصوص مؤسسات کنکور وارد، و در واقع بیانگروجه "میزه" این مقاله رابا کارهای انجام شده است، این است که اولاً این تحقیقات عمدتاً بارویکردهای پوزیتیویستی و کمی (متغیرمحور) انجام گرفته و پژوهش‌های کیفی و تبارشناسان (تاریخ اکنون) درخصوص مؤسسات کنکور و تولید سوژه کنکوری تابحال صورت نگرفته است.

از سوی دیگر پژوهش‌های انجام شده در این مورد اساساً سوژه محور و بر عنصر آگاهی تکیه دارند و نقش و تاثیر روابط قدرت / دانش را مورد غفلت قرار داده‌اند. به تعبیری دیگر شرایط گفتمانی و غیرگفتمانی را در ظهور و بروز مؤسسات کنکور و ساخت سوژه کنکوری مورد توجه قرار نداده‌اند. لذا وجه میزیه این مقاله نسبت به پژوهش‌های انجام شده، توجه به آغازگاه^۱ و خاستگاه شکل‌گیری مؤسسات کنکور و تاکید بر بسترهای تاریخی و فرهنگی تولید آنها، تاکید بر روابط قدرت / دانش، چرخش گفتمانی، هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی و نقش آنها بر تولید سوژه کنکوری است.

علاوه بر موارد فوق، شرایطی که باعث انتخاب موضوع مورد نظر شده (منطق مورد مؤسسات کنکور) عبارتند از:

اول اینکه این مؤسسات پس از اعمال سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور و اجرایی شدن سیاست‌های تعدیل ساختاری به شکل گسترده و فراگیر در سراسر کشور فعالیت‌های خود را در به شکل ارائه محصولات آموزشی و خدمات مشاوره‌ای در سراسر کشور گسترش دادند و سیاست‌ها و کردارهای آموزشی نئولیبرال (بازاری شدن و تجاری شدن آموزش) را در پیش گرفتند که می‌توان با جرات ادعا نمود که هیچیک از واحدها و مراکز آموزشی خصوصی با این شدت و وحدت هم‌سو و همایند با عقلانیت حکومت‌مندی نئولیبرال عمل نه نموده‌اند.

دوم اینکه این مؤسسات آئینه تمام‌نمای گفتمان موفقیت فردی یا گفتمان ذره‌نگراست که پس از اتمام جنگ ۸ ساله بعنوان گفتمان غالب و مسلط در فضای فرهنگی و آموزشی کشور خود را نشان داده است (کلاهی ۱۳۹۸) گفتمانی که سوژه‌هایی را تولید نموده که از مهمترین ویژگی‌های آن عبارتند از: فردگرایی، رقابت جویی، نفع‌گرایی، خودتنظیمی و..

سوم اینکه این مؤسسات حتی اگر ادعا شود که بازنمایی‌کننده کامل سیاست‌های اقتصادی - فرهنگی ایران پس از جنگ نباشد اما می‌توانند رویکردی رافراهم‌کنند برای تحقیق و پژوهش و جعبه ابزار تحلیلی باشند برای اینکه نشان دهیم چگونه باهم‌آیندی و هم‌ارزی دانش / قدرت در نظام آموزشی کشور، سوژه کنکوری یا سوژه نئولیبرال خلق شده است. به عبارت دیگر مؤسسات کنکور حتی اگر بی‌انگیزگی نظام سیاسی نئولیبرال در ایران پس از جنگ نباشند ولی می‌توانند لذتی از پژوهش و ابزار تحلیلی ایجاد کنند که اشاره به شبکه پیچیده روابط قدرت / دانش باشد. بنابراین این پیکربندی ساختار روابط قدرت / دانش و پویایی قدرت رابه شکل مناسب می‌توان با استفاده از اصطلاح عقلانیت حکومت‌مندی نئولیبرال بیان کرد.

¹ origine

چهارم اینکه تاکید بر موسسات کنکوره خاطر این است که این واقعیت را نشان دهیم که موسسات کنکور یکی از اولین و شاید مهم ترین بخش های نظام آموزشی کشور است که سیاست های آموزشی اندیشه حکومت مندی نئولیبرال را به وضوح پذیرفته و بدان عمل نموده است. این موسسات به مثابه یک بنگاه اقتصادی و سهامدار خوب و مطیع ترین سیاست های آموزشی نئولیبرال در ایران در دهه های اخیر تلقی می شود.

پنجم اینکه این موسسات باز نمایی کننده و نماینده استانداردهای و شکل مناسبی از نتایج اعمال سیاست های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در خلق سوژه نئولیبرال یا سوژه کنکور است.

۴. چارچوب نظری

چگونه جمعیت انسانی در جوامع معاصر تحت کنترل و مدیریت قرار می گیرند؟ چگونه زندگی روزمره در خانواده، مدرسه، محیط کار و... به واسطه روابط اجتماعی قدرت شکل می گیرد؟ چگونه افراد درگیر در خودتنظیمی در سراسر متون اجتماعی می شوند؟ چگونه افراد متمرکز و سرکش تحت نظم و انضباط درمی آیند؟ چگونه جمعیت ها و افراد به واسطه هنرهای خاص حکومت مندی (آپاراتوس ها) بر ساخت می شوند؟ این سئوالات و سئوالات نظیر آن همواره از نظرگاه ها و اولنزه های مختلفی مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. این پژوهشگران معتقدند حکومت مندی را بر مبنای فهم ما از بازار- دولت و جمعیت می توان در قالب سه هنر و تکنولوژی حکومت مفصل بندی و مفهوم پردازی نمود این رژیم های حقیقت شامل لیبرالیسم کلاسیک یا اقتصاد آزاد (آدام اسمیت، هابز، جان لاک)، لیبرالیسم نئو کلاسیک یا دولت رفاه (جونز، والراس، پارتو)، نئولیبرالیسم یا سرمایه داری پیشرفته (گری بکر، فریدمن، هایک، جیمز بوکانن) (نیکلاس رز، ۱۹۹۵: ۵)

این هنرهای سه گانه خاص حکومت، پاسخ های متعدد و بعضاً متفاوتی به سئوالات طرح شده، داده اند و هر کدام با عقلانیت خاصی به تشریح اشکالی از تکنولوژی های قدرت در شکل دهی به زندگی روزمره جمعیت ها پرداخته و چارچوب های تحلیلی خاصی را برای کنترل و مدیریت جمعیت های مختلف ارائه داده اند.

در تحلیل های حکومت مندی ماقبل فوکویی، مفاهیم و گزاره های جدیدی که برای تحلیل تبارشناسانه سوژه مدرن لازم و ضروری است، وجود ندارد. مفاهیمی چون زیست قدرت، زیست سیاست، پریلماتیزه، آپاراتوس و تکنولوژی های سوژه ساز، علاوه بر این بین مفهوم عقلانیت حکومت مندی و دولت مداخله گر هیچ تمایزی وجود ندارد و مهمتر اینکه چنین تصویری شود که کاربرد مفهوم حکومت مندی در بستر تاریخی - اجتماعی جوامع غربی و دولت های نئولیبرال آنگلو-آمریکایی ظهور و بروز یافته و استفاده از این مفهوم برای کشورهای غیر لیبرال موضوعیت نداشته و با محدودیت مواجه است بر همین اساس محقق به منظور غلبه بر این محدودیت های روش شناختی باتاسی از فوکو و اندیشمندان پسا فوکویی چون تیکلی^۴ (۲۰۰۷-۱۶۳-۱۳۴) مفهوم "حکومت مندی در حال ظهور" یا "حکومت مندی در حال ساخت" را بکار برده و آن را به عنوان یک نقطه مرجعی برای مطالعه تبارشناسانه و فهم کردارهای موسسات کنکور و آپاراتوس های سوژه ساز آنها استفاده می کند (تیکلی، ۲۰۰۳).

¹ Laissez-faire

² Social welfare

³ neoliberalism

⁴ tikly

⁵ Emerging governmentality

⁶ In-the Making governmentality

طبق این صورت بندی و مفهوم پردازی جدید، اندیشه حکومت‌مندی نئولیبرال حاکم بر موسسات کنکور یک حکومت‌مندی شبه نئولیبرال و یا یک حکومت‌مندی در حال ظهور تلقی می‌شود. بدین معنا که گفتمان و عقلانیت حاکم بر موسسات کنکور (گفتمان موفقیت فردی) هر چند با برخی از کردارها و گزاره‌های حکومت‌مندی نئولیبرال همانندوهم ارزیست ولی با بکارگیری اندیشه حکومت‌مندی در حال ظهور مدعی هستیم که پاره‌ای از گزاره‌های اندیشه حکومت‌مندی پذیرفته شده در مرحله عمل پیاده شده است. لئون نیکیلی در این رابطه معتقد است برخی از سیاست‌های آموزشی رامیتوان به عنوان بعدی از حکومت‌مندی و عقلانیت نئولیبرال در متون غیر لیبرال بکاربرد. بنابراین گرچه فرم دولت‌هایی که در ایران پس‌اجنگ ظهور یافته اند تا حدی متفاوت از دولت‌هایی نئولیبرالیسم پیشرفته هستند نمی‌توان بطور کامل اندیشه‌های حکومت‌مندی نئولیبرالیسم را برای مطالعه سیاست‌ها و کردارهای آموزشی بکاربرد ولی با استفاده از مفهوم حکومت‌مندی در حال ظهور یاد در حال ساخت می‌توان از لنز فوکویی به تحلیل کردارها و از جمله کردارهای موسسات کنکور و آپاراتوس‌های سوژه ساز آن پرداخت.

بنابراین چارچوب نظری، بطور تلفیقی اقتباسی است از اندیشه حکومت‌مندی فوکویی و اندیشمندان پس‌افوکویی از قبیل میشل دین، نیکلاس رز، جورجیو آگامبن و لئون نیکیلی به عنوان نقطه آغاز بررسی تبارشناسانه انتقادی پیکربندی معاصر روابط قدرت بین موسسات کنکور و دانش‌آموزان از طریق کردارهای آموزشی و آپاراتوس‌های سوژه ساز است. باتاسی از نیکلاس رز (۱۹۹۹) تحلیل تبارشناسی و مفاهیم هم‌بند با آن همچون گفتمان، سوژگی، عقلانیت، پروبلماتیزه شدن (مسئله‌مند شدن)، آپاراتوس و نولیبالیسم به عنوان یک منظومه روشی بکار گرفته شده تا مشخص کنیم که چگونه عقلانیت حکومت‌مندی نولیبالیسم و نظام بازاری، مستقیماً قلمرو واحدهای آموزشی و از جمله مؤسسات کنکور را هدف قرار داده و سناریوی جدیدی از سوژه تحت عنوان سوژه کنکوری را تولید نموده است.

بنابراین بررسی و تحلیل تبارشناسانه مؤسسات کنکور، نقطه اتکای اصلی فهم اندیشه عقلانیت نولیبالیسم به عنوان شکلی از حکومت‌مندی در ایران پس‌اجنگ به حساب می‌آید. با این وجود مفهوم پردازی و صورت‌بندی اندیشه نولیبالیسم و کاربست آن بخصوص در حوزه آموزش و پرورش در این بازه زمانی (پس‌اجنگ) از سوی برخی از محققان و صاحب‌نظران مورد مناقشه و چالش‌های جدی قرار گرفته و این مفهوم در حال‌های از ابهام قرار گرفته است چرا که نحوه عمل عقلانیت نولیبالیسم در حوزه‌های آموزشی و فرهنگی، «آشکارا، روئیت پذیر اما پنهان است» یعنی در عین حال که در معرض دیدگان است ولی مخفی و پنهان است. در ادامه به منظور تشریح استراتژی ترکیب حکومت‌مندی و آپاراتوس (خلط مفهومی) به دیدگاه فوکو در زمینه نسبت میان این مفهوم می‌پردازیم.

فوکو نخستین بار مفهوم حکومت‌مندی^۱ را در مجموع سخنرانی‌هایش که در سال ۷۹-۱۹۷۸ انجام شده، بکار برد و اعلام نمود که ما در عصر «حکومت‌مندی» زندگی می‌کنیم. وی مفهوم اندیشه حکومت‌مندی را برای رشد مفهوم پردازی جدیدی از قدرت که فراتر از سلطه و نظم است، بکار برد. از نظر او این معنای گسترده به مجموعه‌ای از عقلانیت‌ها، تاکتیک‌ها و پراکتیس‌هایی که شکل می‌دهد، هدایت می‌کند و بر اداره جمعیت و افراد دلالت دارد. به همین دلیل به باور او مفهوم جمعیت برای فهم حکومت‌مندی مهم است (دین، ۱۹۹۹). فوکو حکومت‌مندی را در معنای وسیع و گسترده بکار می‌برد و معتقد است حکومت‌مندی صرفاً به ساختارهای سیاسی-اقتصادی کلان محدود نمی‌شود بلکه حکومت‌مندی هدایت رفتار^۲ را نیز در برمی‌گیرد (میشل دین، ۱۹۹۹) بدین معنا که حکومت‌ها نیاز دارند تا افراد رفتار و اعمالشان را در راستای اهداف نظام سازمان‌دهی کنند. به‌زعم او مسئله اصلی حکومت‌مندی مدرن، هدایت و مدیریت رفتار و افکار جمعیت است. به عبارت دیگر conduct of conduct هم به معنای هدایت رفتار دیگری است (منطبق با آپاراتوس و مکانیسم‌هایی از نیروها با درجات مختلف) و هم شیوه‌ای از رفتار در چارچوب یک حوزه و میدان است. درک

^۱ governmentality

^۲ conduct of conduct

اصطلاح conduct به معنای هدایت رفتار دیگران، بیانگر مفهوم فوکو از فناوری‌های انضباطی قدرت است که تشکیل‌دهنده یکی از ابعاد مهم حکومت‌مندی است. فناوری قدرت وظیفه‌اش تعدیل رفتار افراد، تحمیل آرزوهای خاص بر افراد و هدایت آن‌ها به سمت اهداف یا ابژه‌های خاص است. مفهوم حکومت‌مندی متضمن خلق سوژه‌هایی است که رفتار و افکارشان به شیوه‌های خاصی کنترل و مدیریت می‌شود. لذا حکومت بر دیگران با شیوه‌های خاصی که افراد لذت می‌برند از حاکم شدن بر دیگران هم به‌عنوان ابژه و هم به‌عنوان سوژه ناشی از حکومت کردن پیوند دارد. این شبکه‌ای از روابط قدرت بین حکومت کردن بر دیگران و حکومت کردن بر خود است که توجه ما را به مطالعه سیاست‌های آموزشی مؤسسات کنکور جلب نموده است.

۴-۱. حکومت‌مندی گفتمان موفقیت فردی

همچنان که اشاره شد، فوکو حکومت‌مندی را به‌عنوان هدایت رفتار^۱ تعریف نموده است (۲۰۰، فوکو) واژه اول (conduct) در این عبارت، اشاره به این دارد که حکومت به «رهبری کردن، جهت‌دهی و هدایت کردن» مربوط می‌شود و واژه دوم (to conduct) به معنی انعکاسی یعنی حکومت صرفاً به رهبری و هدایت کردن دیگران خلاصه نمی‌شود بلکه «رهبری کردن بر خود» یا همان خودتنظیمی را نیز شامل می‌شود. به تعبیری دیگر، فوکو واژه دوم (conduct) را به معنای افکار، کنش‌ها و هیجانات جمعیت به‌عنوان ابژه و موضوع حکومت کردن می‌داند. بنابراین عبارت conduct of conduct معنایش هدایت عامدانه مجموعه رفتارهای مفصل‌بندی شده مردم است (Skálén, Felless & Foger, 2006: 277). با توجه به مطالب فوق تأکید ما بر خصلت «مدیریت گرایانه و انضباط گرایانه» گفتمان موفقیت فردی است که مبتنی بر طرح تحلیلی است که میشل دین (۱۹۹۹، ۱۹۹۵) با تأسی از افکار فوکو ارائه داده است. این طرح بر ابعاد سه‌گانه زیر تأکید دارد:

بعد اول: تحلیل حکومت‌مندی گفتمان موفقیت فردی، یک بعد هستی‌شناسانه دارد که به این پرسش مربوط می‌شود که گفتمان (موفقیت فردی) چه جهت‌گیری‌هایی دارد و چه کسانی آنرا نمایندگی و اعمال می‌کنند (میشل دین، ۱۹۹۹: ۱۷) در این مقاله گفتمان موفقیت فردی به‌عنوان یک «انضباط مدیریتی» صورت‌بندی و مفهوم‌پردازی می‌شود و بر فرایندهای درون‌سازمانی مؤسسات کنکور تأکید می‌کنیم.

بعد دوم: تحلیل حکومت‌مندی گفتمان موفقیت فردی به طرح این پرسش مربوط می‌شود که چگونه و با چه مکانیسم‌هایی بر جمعیت کنترل، نظارت و مدیریت شود (در مورد موضوع ما، مؤسسات کنکور چگونه و با چه ابزارهایی بر دانش‌آموزان کنترل، نظارت و مدیریت می‌کنند) در انجام این تحلیل، تأکید ما بر توصیف و تفسیر آپاراتوس‌های مهمی است که مؤسسات برای خلق سوژه کنکوری بکار می‌برند.

بعد سوم: تحلیل حکومت‌مندی گفتمان موفقیت فردی، مبتنی است بر این پرسش که این گفتمان بر چه کسانی و در چه شرایطی اعمال می‌شود. از لنز دیگری، دین (۱۹۹۹) با تأسی از فوکو به شکل گسترده به تحلیل سه مفهوم مهم در حکومت‌مندی گفتمان می‌پردازد: ۱- چه چیزی را حاکم می‌کند (جهت‌گیری‌ها) و چه کسی حاکم است؟ ۲- چگونه و به‌واسطه چه ابزارهایی حکومت می‌کند، ۳- چه کسانی تحت حکمرانی هستند.

¹ conduct of conduct

جدول شماره (۱): مفاهیم سه‌گانه حکومت‌مندی گفتمان موفقیت فردی

چه چیزی (جهت‌گیری) و چه کسانی حاکم‌اند	با چه ابزارها و آپاراتوس‌های حاکم‌اند	چه کسانی تحت حاکمیت‌اند
مؤسسات کنکور، همه اعضای سازمانی از قبیل متخصصان موفقیت فردی (موسیان، مدیران، روانشناسان، مشاوران، پشتیبانان)، انواع جهت‌گیری‌های سه‌گانه از قبیل جهت‌گیری‌های شناختی، هنجاری، عاطفی و هیجانی	آپاراتوس‌های و فنآوری‌های سوژه ساز (قانونی-حقوقی، انضباطی و امنیتی و کنترلی)، استاندارسازی و بهنجارسازی	دانش‌آموزانی که در مؤسسات کنکور ثبت‌نام نموده و از محصولات و خدمات مشاوره‌ای آن‌ها استفاده می‌کنند.

فوکو (۱۹۷۹) سه آپاراتوس و تکنیک حکومت‌مندی را برای تولید سوژه در هر جمعیتی، صورت‌بندی و مفهوم‌پردازی نموده است. اولین آن، آپاراتوس قانونی-حقوقی است که مبتنی است بر قانون و مجازات یا تمایز بین آن چیزهایی که مجاز و آن چیزهایی که ممنوع و تابوست و مجازات کردن کسانی که قانون را نادیده انگاشته‌اند. دومین آن، آپاراتوس و مکانیسم انضباطی است که عمدتاً مربوط به نظارت کردن و واداشتن افراد نابهنجار به اطاعت از هنجارها مربوط می‌شود. به باور او به‌منظور ایجاد نظم اجتماعی یک مجموعه میانجی‌هایی بایستی بین قانون و افراد ایجاد و یک فضای خلق شود که شاخه‌هایی از نظارت بتوانند عمل کنند (مثل روانشناسی و پزشکی).

عمده فعالیت‌های مربوط به آپاراتوس نظارت تمایز بین هنجار و نابهنجاری و خلق بهنجاری است. برخلاف بهنجارسازی (که فوکو آنرا ویژگی آپاراتوس امنیت می‌داند) به هنجاری بر یک هنجار از پیش تعیین‌شده در رابطه با افرادی که بناست به نظم و انضباط درآیند، مبتنی است. شکل سوم، آپاراتوس امنیت و کنترل نام دارد که به مداخله و نفوذ قدرت وابسته است. این آپاراتوس بر محاسبه هزینه و سود مورد انتظار تأکید دارد و بجای دوگانه ممنوع/مجاز، هدف در این شکل از آپاراتوس، خلق جمعیت بهنجار برای رسیدن به وضعیت مطلوب، بهینه و موردنظر است. کردار اصلی در این آپاراتوس تنظیم جمعیت، حوزه موردنظر و به هنجار سازی جمعیت است. فوکو بعدها آپاراتوس امنیتی را، «حکومت‌مندی» می‌نامد. وی برای اینکه نشان دهد چگونه هر سیستمی از مدیریتی در زمان ظهور و بروز پیدا می‌کند یک ساختار تقویمی و کرورنولوژی را توصیف می‌کند وی در تحلیلش از در تلاش برای واکنس زدن در مقابل آبله، نشان می‌دهد که چگونه ظهور واکنس در قرن ۱۸ ناشی از چرخش از مدیریت و اداره کردن از آپاراتوس انضباطی به آپاراتوس امنیتی بوده است. این آپاراتوس شامل محاسبات آماری مربوط به جمعیت و به‌ویژه نرخ‌های مرگ‌ومیر و امثالهم است. این آپاراتوس امنیتی (یا آنچه فوکو حکومت‌مندی نامیده است) مبتنی بر نیاز به تنظیم و مدیریت جمعیت در مواجهه با حوادث گوناگون است. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که چگونه حکومت‌مندی برای مدیریت جمعیت با ابزارهای آماری یا محاسبه مسئولیت طلبی بکار می‌رود (Nadesan, 2010). این شکل از مدیریت یا خلق جمعیت‌های آماری عمدتاً به مواردی چون بیمه یا بیماری‌ها و حوادث اجتماعی بیولوژیکی مربوط می‌شود. بنابراین مفهوم جمعیت برای فهم حکومت‌مندی ضروری و مهم است (میشل دین). آنچه باید در نظر داشت این است که جمعیت صرفاً یک محصول آماری یا کردار مدیریتی به‌منظور سازمان‌دهی اجتماعی نیست بلکه نشان‌دهنده برساخت یا کشف و تولید یک سوژه خاص نیز است.

آپاراتوس‌ها و فنآوری‌های حکومت‌مندی هدفشان خلق و تولید سوژه‌هایی مطیع، منقاد، رام و حکومت‌پذیر است. لذا، منطق درونی گفتار نو لیبرال استفاده از نیروها و تکنیک‌های حکومت‌مندی برای شکل دهی به هویت افراد است. حکومت‌مندی نو لیبرال به‌واسطه گفتمان‌ها، کردار و مناسک و نهادها (سامانه یا دیسپوزیتو) برساخت شده، تقویت یافته و گسترش پیدا نموده‌اند. بنابراین با استفاده از چارچوب اندیشه حکومت‌مندی نو لیبرال می‌توان به تشریح و مطالعه آپاراتوس‌هایی پرداخت که در جهت مدیریت، هدایت و راهنمایی رفتار و افکار افراد به‌مثابه یادگیرندگان (Rojo & Del Percio, 2019)، کارگران (Barakos, 2016) مهاجرین بیکار و راهنمایی رفتار و افکار افراد به‌مثابه یادگیرندگان (Shoshana, 2012; Del Percio, 2018) هستند. این مطالعات نشان می‌دهد که چگونه افراد به‌واسطه انواع آپاراتوس‌ها تحت

کنترل، حاکمیت، مدیریت و نظارت قرار گرفته و از طریق درونی کردن الزامات و گزاره‌های نو لیبرال، همچون کارآفرین بودن، سودجویی، موفقیت طلبی، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، فردگرایی و غیره به سوژه دلخواه تبدیل می‌شوند. نکته قابل‌تأمل اینکه این مطالعات تأکید دارند و نشان می‌دهند که خلق سوژه به‌هیچ‌وجه داوطلبانه و ارادی نبوده بلکه به شکل القایی و غیرآگاهانه رفتارها و افکار افراد بر طبق الزامات گفتار نو لیبرال، درونی می‌شود. آگامبن^۱ (۱۹۹۴) در مفهومی گسترده‌تر از فوکو، آپاراتوس را هر چیزی می‌داند که قابلیت تسخیر کردن، انقطاع کردن، تعیین، جهت‌گیری و شکل بخشی به رفتار و افکار را دارد. به تعبیر ساده‌تر وی آپاراتوس را هم سنگ با گفتمان‌های زندگی می‌داند و معتقد است آپاراتوس نه تنها زندان‌ها، آسایشگاه‌های روانی، مدارس، کارخانه‌ها، دادگاه‌ها، و غیره را در برمی‌گیرد، بلکه قلم، نوشتار، ادبیات، فلسفه، تلفن‌های سلولی و... را نیز شامل می‌شود. بنابراین در اینجا دوطبقه بزرگ داریم: زندگی (ماده-جسم) و آپاراتوس و بین این دوطبقه، طبقه سوم وجود دارد که سوژه نام دارد. بر اساس این صورت‌بندی، سوژه پیامد و نتیجه رابطه بین زندگی و آپاراتوس است.

همچنان که در بخش قبلی اشاره شد، اندیشه حکومت‌مندی نو لیبرال، فراهم‌کننده شیوه‌ای از رؤیت پذیر کردن نیروهای متجانس‌کننده و کردارهای معرفتی است که به‌طور دقیق رفتار و افکار سوژه‌ها را در فاصله شکل می‌دهد. به‌واسطه اندیشه حکومت‌مندی نو لیبرال و آپاراتوس‌ها، صاحبان قدرت به‌ویژه دولتمردان، اهداف و آرمان‌های خود را در زمینه‌های مختلف آموزشی، رفاهی، بهداشتی و امنیتی با به‌کارگیری انواعی از دانش‌ها و ابزارهای تکنیکی دنبال می‌کنند (میشل دین، ۱۹۹۹: ۲۰-۱۹).

۵. روش تحقیق

سه گانه نظریه، روش و ابژه موردبررسی پیشاپیش می‌بایست به میانجی یکدیگر مفهوم پردازی و صورت‌بندی شوند. به بیان دیگری بایست این سه در نسبت بایکدیگر در نظر گرفته شود. لذا بر همین مبنا به منظور فهم چگونگی جعل سوژه کنکوری که در موسسات کنکور پر بلما تیزه شده از روش تبارشناسی و تحلیل نشانه‌شناسی استفاده خواهد شد و با استفاده از جعبه ابزار مفهومی و نظری فوکو و اندیشمندان پسا فوکویی، موضوع و پر بلما تیک مقاله را بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

با کمک لنز و بینش تبارشناختی سعی خواهیم کرد که با استفاده از چشمان تیزبینی که این روش در اختیار می‌گذارد به سراغ بررسی آرشیوها و اسناد رویم چرا که آرشیو به نوعی محل بروز و ظهور گزاره‌ها تلقی می‌شود و قواعد کرداری را نشان می‌دهد. در این معنا آرشیو امریست چندلایه و متکثر که نیروهای مختلفی در آن حضور دارند بر همین اساس با تاسی از فوکو که مدعی است هر امری حتی اگر مبتذل، پیش‌پاافتاده، بی‌اهمیت و دم‌دستی تلقی شود برای تبارشناسی مهم و با اهمیت بوده و در واقع آرشیو به حساب می‌آید (میشل فوکو، ۱۹۷۷) از اسناد و آرشیوهای مختلفی از جمله مطالعه تجربی، انواع اسناد و مدارک و آگهی‌های تبلیغی که موسسات کنکور برای آرایه خدمات و محصولات خود در قالب انواع بنرها، پوسترها، لوگو تایپ‌ها، کلیپ‌های آموزشی، وب‌سایت‌ها و اکانت‌هایی چون تلگرام، اینستاگرام، ای‌تاو، بکار می‌برند، استفاده نموده ایم.

نکته دیگر اینکه، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی را بایستی در امتداد و در نسبت بایکدیگر فهم نمود زیرا هدف دیرینه‌شناسی فهم شرایط امکان و رویت پذیر کردن چگونگی عقلانی شدن کردارهای گفتمانی است و در تبارشناسی مسئله بر سر آنست که نشان داده شود که چگونه شرایط گفتمانی و غیرگفتمانی به میانجی تکنولوژی‌های قدرت (آپاراتوس‌ها) بایکدیگر چفت و بست می‌شوند. البته در تبارشناسی مسئله صرفاً فهم تکنولوژی‌های قدرت نیست بلکه هدف نشان دادن این موضوع است که چگونه انسان هابدل به سوژه بهنجار می‌شوند.

^۱ Agamben

نحوه کاربست تبارشناسی در این پژوهش بدین صورت است که با استفاده از تحلیل دیرینه‌شناسی به سراغ چگونگی شرایط امکان تاریخی - اجتماعی ممکن شدن و گسترش مؤسسات کنکوردرسه ده اخیررفته ایم و با بررسی اسناد و آرشیوهای موجودنقطه صفر و آغازگاه تولد و گسترش این مؤسسات را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده ایم و در کنار آن شرایط گذار از گفتمان معنویت سیاسی (قبل جنگ) به گفتمان موفقیت فردی (پساجنگ) که در نتیجه هم‌آیندی و هم‌ارزی نیروها و رخدادهایی چون برآمدن عقلانیت حکومت‌مندی نو لیبرال، اعمال سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی که به صورت‌مندی‌گزاره‌های جدیدی حول محور موفقیت فردی شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و از بینش تبارشناختی و نشانه‌شناختی برای بررسی چگونگی تولید سوژه کنکوری به میانجی آپاراتوس‌های تبلیغاتی سوژه‌ساز خواهیم پرداخت و نشان می‌دهیم که چگونه آپاراتوس‌های سوژه‌ساز مؤسسات شرایط را برای ساخته شدن سوژه کنکوری پساجنگ تسهیل می‌کنند.

۵-۱. تبارشناسی مؤسسات کنکور

ظهور هر پدیده و معنایی، همواره در وضعیت معینی از نیروها روی می‌دهد که تبارشناس باید از هزارتوهای تاریخی این وضعیت یا به عبارتی بازی نیروها آنرا به تصویر بکشد. بر این اساس، در بررسی تاریخی مؤسسات کنکور نیایستی صرفاً به تاریخ‌نگاری آن‌ها اکتفا نمود بلکه تاریخ حال و اکنون آن‌ها را نیز باید مورد توجه قرار داد و از تاریخ به‌عنوان عامل شکل‌دهنده به مؤسسات در وضع کنونی آن یاد نمود. در یک نگاه تبارشناسانه، مؤسسات آموزشی کنکور صرفاً یک موسسه آموزشی محسوب نمی‌شوند، بلکه به‌نوعی این مؤسسات تجلی‌گاه و کانون چفت‌وبست شدن یا مفصل‌بندی شدن^۱ جریان‌ها و نیروهای متعدد و متکثری چون نو لیبرالیسم، گفتمان موفقیت فردی و روانشناسی گری است. همان لحظه‌ای که گفتمان حاکم بر مؤسسات کنکور یعنی گفتمان موفقیت فردی، به نقطه اوج شکل‌گیری خود می‌رسد، همان فضایی است که در آن تکنیک‌های خود، کارآفرین بودن، موفقیت، رقابت، نفع‌پرستی و فردگرایی در کنار یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند و سوژه نو لیبرال را برمی‌سازند. بر همین اساس مؤسسات کنکور را به‌عنوان «تاریخ اکنون» در نظر می‌گیریم و آنرا صورت‌بندی و مفهوم‌پردازی می‌کنیم. برای اینکه این مؤسسات را به‌عنوان امر اکنون فرموله کنیم، در ابتدا بایستی آنرا به‌صورت پرللماتیزیشن^۲ طرح کنیم چراکه کار تبارشناس، شناسایی میدان نیروها و جریان‌هاست، لحظه‌ای که نیروهای تازه با هم هم‌آیند می‌شوند، رخدادی^۳ تازه شکل می‌گیرد. لذا شناسایی این نیروها با مسئله مند شدن ممکن می‌شود. بنابراین از لنز تبارشناسانه، از طریق خصیصه نوظهور می‌توان پدیده را شناخت بر همین اساس هم‌آیندی نو لیبرالیسم، هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی و گسترش روانشناسی گری، پدیده نوظهور^۴ یعنی «مؤسسات کنکور» را ممکن نموده است.

مسئله مند مؤسسات کنکور در درون زمینه و زمانه خاص (پساجنگ) شکل گرفت به‌عبارت‌دیگر در ایران پساجنگ، کنکور و مؤسسات کنکور به سخن درآمدند یعنی صاحبان سخن و کارشناسان و یا به زبان فوکویی، عالمان نظر، روزنامه‌نگاران و محققان و نویسندگان در این خصوص سخن گفتند، مقاله نوشتند، کتاب تألیف کردند، سمینارها و همایش‌ها برگزار شد و آرام آرام و بتدریج مؤسسات کنکور به شکل فراگیر و گسترده طرح و پروژه شد و مبدل به مسئله و معضل اجتماعی گردید و در همین راستا مقالات، پژوهش‌ها، سخنرانی‌ها، سمینارها و همایش‌های گسترده‌ای در خصوص مضرات، فواید، اثرات و کارکردهای آن نوشته شدند (نظیر

¹ present history

² articulation

³ problematization

⁴ event

⁵ Emergent property

عسگری و دیگران ۱۳۹۷، سبحانی و شهیدی ۱۳۸۶، امیدیان و دیگران ۱۳۹۷) و مفاهیمی جدیدی چون مافیای کنکوری، صنعت کنکور، غول کنکور، سد کنکور، دانش‌آموز کنکوری، دانش‌آموز پشت کنکور، کالای شدن، پولی شدن، بازاری شدن و تجاری شدن آموزش و شکل‌گیری گزاره‌ها و احکام^۱ جدیدی که با گزاره‌ها و احکام گذشته سنخیت چندانی ندارد از قبیل موفقیت فردی، رقابت، منفعت‌طلبی، کارآفرینی و سرانجام گسل‌ها و گسسته‌ای گفتمانی و تغییر و چرخش گفتمانی از گفتمان معنویت سیاسی به گفتمان موفقیت فردی مطرح و پرللماتیزه شد و درواقع «فضای پروبلماتیک»^۲ شکل گرفت و در نتیجه گزاره‌هایی حول محور موضوع و مسئله کنکور رشد یافت و مسئله مند شدن کنکور برجسته گردید. با مسئله مند شدن مؤسسات کنکور، پروژه‌های طرح و دنبال می‌شد که همان امر اکنون یا تاریخ اکنون مؤسسات کنکور است که امری است تکنیکه^۳ و منحصربه‌فرد که در زمینه و زمانه خاص (پساجنگ) ممکن شده است لذا لحظاتی که نیروهای جدید در حال قوام گرفتن و شکل‌گیری هستند را باید شناسایی کرد، به این معنا است که پروبلماتیزه شدن ممکن می‌شود.

اسناد و آرشیوها نشان می‌دهد که خاستگاه^۴ و ظهور^۵ این مؤسسات در ابتدا بر مبنای نیاز جامعه دانش‌آموزی به آموزش‌های تکمیلی و آموزش در سایه بوده است ولی بعدها، با توجه به اهداف و اغراض اقتصادی در امر آموزش، به سرعت این مؤسسات هویت جدیدی پیدا کرده و بر تعداد آن‌ها افزوده شد (حسینی لرگانی، ۱۳۹۶؛ کاظمی، ۱۳۹۵). این مؤسسات با برآمدن نظم اقتصادی-سیاسی جدید تحت عنوان نو لیبرالیسم در سال ۱۳۶۸ تغییر ماهیت داده و گسترش یافتند. لذا زمینه و متن اجتماعی-تاریخی ظهور و بروز مؤسسات کنکور و به تبع آن خلق سوژه کنکوری، عمدتاً بر مبنای نظم جدید اقتصادی و سیاسی ایران پساجنگ ممکن شدند. به همین دلیل ظهور این مؤسسات پیوند بسیار نزدیکی با بستر اجتماعی و اقتصادی-تاریخی جامعه دارند.

از سوی دیگر در ایران آموزش باهدف ورود به دانشگاه دنبال می‌شود که به‌عنوان راهی برای دسترسی به امکانات و امتیازات زندگی محسوب می‌شود بر همین اساس به درخواست مردم مبنی بر افزایش میزان ظرفیت دانشگاه‌ها، دولت به شکل گسترده ظرفیت دانشگاه‌ها را برای پذیرش دانش‌آموزان افزایش داد (Sakurai, 2004: 385). همین مسئله به رقابت کنکور شدت بیشتری بخشیده و ابعاد آن با تمام مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه درهم‌تنیده و سیاست‌گذاری‌های کلان را وارد مناسباتی کرده که از آن به‌عنوان مؤسسات کنکور یا بازار کنکور می‌توان یاد کرد. علاوه بر این از آنجاکه کیفیت آموزش در مدارس دولتی در حد مطلوب نیست، خانواده‌های دانش‌آموزان به فکر روش‌های جایگزین افتاده‌اند و با پرداخت هزینه محصولات و خدمات کنکوری، این مؤسسات را رونق بخشیده و به گسترش آن‌ها کمک نموده‌اند. نتیجه اینکه خاستگاه شکل‌گیری اولیه مؤسسات کنکور به پیش از انقلاب برمی‌گردد اما پس از انقلاب و خاتمه جنگ ۸ ساله با برآمدن نو لیبرالیسم در ایران و شدت یافتن سیاست‌های خصوصی‌سازی از آغاز دهه ۷۰ سهم مؤسسات خصوصی از آموزش، از ۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۴ درصد در سال ۹۶ رسید (کریمیان، ۱۳۹۹: ۴۲). علاوه بر این بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و ابلاغ شد، دو فقره از راهکارهای پیشنهادی برای تحول عبارت بودند از «توسعه مشارکت بخش‌های خصوصی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های موجود (راهکار ۳-۹) و تقویت و گسترش مؤسسات و مدارس غیردولتی با اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات موجود (راهکار ۴-۹)» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۴۴).

¹ statements

² Space problematic

³ singular

⁴ origin

⁵ emergence

روند خصوصی سازی در حوزه آموزش به تدریج فراگیرتر شد و در بند تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به اوج رسید. "دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۲۵ (روزنامه رسمی) قانون برنامه ششم توسعه با رعایت احکام این ماده، مکلف به تامین حداقل ۱۰ درصد از وظایف این ماده از طریق واگذاری و خرید خدمات می باشند (قانون بودجه ۱۳۹۸). همچنین در بند "ه" تبصره ۹ همین قانون به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شده است با تغییر کاربری فضاهای آموزشی، ورزشی و تفریحی از آن هادراآمذزایی کند (همان) یعنی آموزش و پرورش طبق قانون مجاز است سالیانه ۱۰ درصد از دانش آموزان را به بخش خصوصی واگذار کند.

این فرایندهای خصوصی سازی آموزش به سرعت نتایجش آشکار گردید و منجر به گسترش مؤسسات کنکور گردید به گونه ای که گردش مالی این مؤسسات با بودجه آموزش و پرورش برابر شد. به این شکل که در حالی که کل بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۸ حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده گردش مالی آموزشگاه های خصوصی کنکور ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورده شده است (کریمیان، ۱۳۹۹: ۶۲-۵۵).

۵-۲. اقدامات و جهت گیری های مؤسسات کنکور

به دلیل ماهیت و هویت فراگیر و گسترده ای که این مؤسسات دارند، با تاسی از گافمن (1961) این مؤسسات را یک چارچوب نهادی ایدئال تصور می کنیم که به سمت تولید یک نوع سوژه جدید که همان سوژه کنکوری یا سوژه نو لیبرال است، جهت گذاری شده اند چراکه هدف این مؤسسات جامعه پذیر کردن جمعیت دانش آموزی است که بتوانند بخشی از ایدئولوژی نو لیبرالیسم را حفظ و دانش آموزان را با ارزش های این ایدئولوژی سازگار نمایند. اقدامات و برنامه های این مؤسسات به سمت جامعه ناپذیری و جامعه پذیری مجدد دانش آموزانی جهت گیری شده که به عضویت این مؤسسات درآمده و از انواع محصولات و خدمات مشاوره ای آن ها استفاده می کنند. این سناریوی جدید سوژه سازی بخشی از یک طیف گسترده ای است که شامل دو سناریو یعنی سوژه نو لیبرال و سوژه کنکوری است. این دو دسته سناریو با توجه به گفتمان حاکم بر نظام آموزشی کشور (گفتمان موفقیت فردی) بسیار به یکدیگر شباهت دارند. نکته قابل توجه این که ابداع و خلق این سناریوی سوژه جدید در فضای فرهنگی، فکری و آموزشی کشور نه در حوزه زبانی و نمادین و نه در حوزه آموزشی وجود نداشته است. در این معنا، ایده خلق شدن سوژه، شبیه آن چیزی است که یان هکینگ^۲ (۱۹۹۱) «ساختن مردم»^۳ نامیده است.

این مؤسسات حمایت کننده و اجراکننده یک مدل خاصی از هویت یا خود ایدئال اند که به سوژه ی که عقلانیت نو لیبرالیسم مروج آن است بسیار شباهت دارد، یعنی سوژه خودتنظیم گر، جهت گیری به سمت موفقیت های فردی و نه جمعی، رقابت و عقلانیت ابزاری (Shoshana, 2007: 359). به زعم لامونت^۴ (2000: 3) این مؤسسات بر اساس یک نقشه ذهنی^۵ تلاش می کنند تا هویت دانش آموزان را تغییر دهند به گونه ای که دانش آموزان قبل از ورود و ارتباط با این مؤسسات؛ برون گروه تلقی می شوند ولی با ورود به این مؤسسات و استفاده از محصولات و خدمات مشاوره ای آن ها به درون گروه مبدل می گردند. به عبارت دیگر دانش آموزانی که در این مؤسسات حضور می یابند و از محصولات و خدمات مشاوره ای آن ها استفاده می کنند، حضور آن ها به تعبیر آلن بدیو^۶، یک «رخداد»^۷ فوق العاده و تأثیرگذار در بر ساخت سوژه تلقی می شود به گونه ای که این حضور، زیست جهان آن ها را به قبل و بعد تقسیم

¹ <https://bil.ly/34f4cXU>

² Hacking, I

³ Making people

⁴ Lamont

⁵ Mental map

⁶ Badiou, A

⁷ event

می‌کند یعنی قبل از حضور در این مؤسسات و بعد از حضور. بعلاوه نه تنها مؤسسات کنکور دوره زندگی دانش‌آموزان را به دو دوره تقسیم می‌کنند، بلکه این مؤسسات به مرجع و کانونی برای القاء ارزش‌های گفتمان نو لیبرالیسم یعنی فردگرایی، استقلال‌طلبی، خودتنظیم‌گری و یا به‌اختصار «بیوگرافی خودساخته»^۱ بدل می‌شوند (Bellah et al, 2007).

از لنز و زاویه‌ای دیگر این مؤسسات برای خلق سوژه کنکوری به تعبیر کوشمن^۲ (1990) از مکانیسم «خود پوچی»^۳ استفاده می‌کنند به این صورت که تلاش می‌کنند تجارب زیسته گذشته دانش‌آموزان را کم‌رنگ و یا از بین ببرند و از طریق تشویق و ترغیب به مصرف انواع محصولات و خدمات مشاوره‌ای خود، تجارب زیسته جدیدی را جایگزین کنند. این جایگزین کردن و پر کردن تجارب جدید که با استفاده از انواع آپاراتوس‌ها انجام می‌گیرد در نهایت منجر به ایجاد و رشد یک میل و نیاز ثابتی در دانش‌آموزان می‌شود که به‌نوبه خود مروج منطق اقتصادی و بازاری است که در بنیان عقلانیت نظام نو لیبرالیسم قرار دارد. این عقلانیت نو لیبرال، دانش‌آموزان را تشویق و ترغیب به رشد گرایش‌های فردگرایانه و روان‌شناختی به‌جای رشد گرایش‌های اجتماعی و ساختاری می‌کند. لذا برآیند آن خلق فرایندها و ارزش‌های خصوصی‌سازی، کارآفرینی، خودتکایی، مسئولیت‌پذیری فردی افراطی است. اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که این مؤسسات سه جهت‌گیری شخصیتی را به دانش‌آموزان القاء می‌کنند (Smilansky & Nevo, 2018).

- ۱ - جهت‌گیری‌های شناختی: این جهت‌گیری‌ها که به مداخلات شناختی نیز مشهورند در تلاش برای رشد مهارت‌های ذهنی از قبیل آینده‌محوری^۴، تفکر و عقلانیت اقتصادی و تجاری، رقابت، و سود طلبی هستند.
- ۲ - جهت‌گیری هنجاری: منظور تلاش برای طبیعی‌سازی، هنجار سازی، استانداردسازی و هم‌سنخ کردن دانش‌آموزان بر مبنای اهداف و آرمان‌های گفتمان موفقیت فردی حاکم بر مؤسسات است که به‌واسطه آن برنامه‌های آموزشی و فرهنگی از قبیل برگزاری سمینارها و همایش‌های مختلف، اردوهای آموزشی، تفریحی و فرهنگی و غیره برگزار می‌شود.
- ۳ - جهت‌گیری‌های هیجانی: شامل رشد ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی از قبیل ایجاد روحیه رقابت‌جویی، فردگرایی، خودتکایی، رؤیاپردازی و غیره است.

۵-۳. آپاراتوس و مطالعه حکومت‌مندی در مؤسسات کنکور

به‌منظور فهم چگونگی تبدیل شدن دانش‌آموزان به سوژه کنکوری (یا سوژه دانش‌آموزی نو لیبرال) و خلق سناریوی جدید سوژه شدن، آپاراتوس‌هایی را که این مؤسسات بکار می‌برند را توصیف می‌کنیم. این آپاراتوس‌ها و حضور آن‌ها در این مؤسسات، زندگی روزمره دانش‌آموزان را به قبل و بعد از حضور در مؤسسات تقسیم می‌کنند. مؤسسات کنکور به‌مثابه انواع آپاراتوس به سوژه سازی می‌پردازند و در درون این محیط و فضا (مؤسسات کنکور) فرایند طبیعی سازی (به هنجار سازی) و استانداردسازی رفتار و افکار دانش‌آموزان صورت‌بندی می‌شود. آپاراتوس‌ها زندگی دانش‌آموزان را تغییر داده و یک چرخش و تغییر دراماتیک در زندگی روزمره آن‌ها ایجاد می‌کنند. چرخش دراماتیک به این معنا که کردارهای و آپاراتوس‌های مؤسسات، خود^۵ دانش‌آموزی را بازتعریف و تجربه زیسته آن‌ها را شکل می‌دهد. با توجه به این چارچوب نظری و الگوریتم فکری در ادامه به چگونگی تولید سوژه نو لیبرال دانش‌آموزی از خلال و یا با میانجی انواع کردارهای مؤسسات کنکور که در قالب و قاب انواع آپاراتوس‌ها اعمال می‌شوند، می‌پردازیم.

¹ self-made biography

² Cushman

³ empty self

⁴ future oriented

⁵ self

با توجه به مقدمه فوق به بررسی نشانه‌شناسی آپاراتوس‌های تبلیغی موسسات کنکور دربرساخت سوژه کنکوری می‌پردازیم. در دهه‌های اخیر با توجه به رشد فزاینده‌ی انواع تبلیغات رسانه‌های تبلیغی موسسات کنکور و نیز افزایش تاثیرپذیری دانش‌آموزان از تبلیغات موجود، شناخت و فهم از چگونگی کارکرد این تبلیغات در تولید سوژه دانش‌آموزی امری ضروری است، انواع آگهی‌های تبلیغاتی و آگهی‌نماهای^۱ که در فضای عمومی جامعه بوفوریافت می‌شود، مسلماً بر افکار، طرز فکر، شیوه و سبک زندگی و انتخاب دانش‌آموزان تاثیر چشمگیری دارند. تصاویر و نوشته‌هایی که بر روی آگهی‌ها و تابلوهای تبلیغاتی مشاهده می‌شود، به لحاظ مفهومی می‌توانند دارای دلالت‌های صریح و ضمنی باشند که به منظوری بردن به معنای ظاهری می‌توان مواردی مانند رنگ، اندازه، فرم، موضوع، جذابیت و هر آنچه مرتبط با ظاهر می‌شود را تحلیل و بررسی کرد. همچنین جهت مشخص شدن معنای نهفته در آگهی‌ها می‌توان از منظرهای متفاوتی مانند روانکاوی، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و سایر رویکردهای کیفی استفاده نمود و متون و تصاویر مندرج در آگهی‌ها را مورد تحلیل و مذاقه قرار داد.

لذا در این راستا تعدادی از آگهی‌های تبلیغاتی این موسسات به صورت تصادفی هدفمند (با توجه به کیفی بودن پژوهش) انتخاب شدند و برای تحلیل این آگهی‌های تبلیغاتی از لنز و ابزار تحلیل بصری تحلیل و نشانه‌شناسی استفاده کرده ایم. بدین صورت که در مرحله نخست یعنی مرحله توصیف آگهی‌های تبلیغی به چندین دسته بندی شده و جزئیات زبانی و فرازبانی آن مورد بررسی قرار گرفتند. و در گام دوم به تفسیر چگونگی تولید و مصرف گفتمان موفقیت فردی بر مبنای سرنخ‌های موجود می‌پردازیم.

۵-۳-۱. آپاراتوس انضباطی (قدرت انضباطی - تنظیم نظارت)

شکلی از قدرت است که از طریق تکنیک‌های نظارتی و کردارها و مناسک خاص به مثابه سازمان‌های سراسر بین^۲ به طبیعی سازی و به هنجار سازی جمعیت دانش‌آموزی می‌پردازد. به همین جهت مؤسسات کنکور را می‌توان سازمان سراسر بین^۳ و یا نهاد تنظیم‌گر^۴ نامید. یکی از آپاراتوس‌ها و تکنیک‌های مهم و اساسی که این مؤسسات برای سوژه سازی بکار می‌برند، آپاراتوس بهنجار سازی یا طبیعی سازی است. بر طبق نظر اومالی^۵ (۱۹۹۶) بهنجار سازی عبارت است از ایجاد و خلق یک هنجار و نرم کلی و عمومی که بر اساس آن کلیه افراد را می‌توان شناخت، وصف نمود و استاندارد کرد. به زعم او بهنجار سازی برای اصلاح^۶ رفتار افراد نیز بکار گرفته می‌شود. بنابراین کانون آپاراتوس انضباطی، ایده بهنجار سازی است که تلاش می‌کند یک استاندارد عمومی را بر افراد جمعیت اعمال کند. در چارچوب رژیم‌های نو لیبرال، از طریق تمایز بین امور به هنجار و نابهنجار، هنجارهای انضباطی درونی می‌شوند. این هنجارهای انضباطی که همان هنجارهای زیست سیاست تلقی می‌شوند، برگرفته شده از متن جامعه و جمعیتی هستند که از طریق آن رفتارهای جمعی شکل می‌گیرند. لذا به تعبیر دین «دغدغه اصلی حکومت‌مندی اداره زندگی است» (Dean, 1999). آپاراتوس انضباطی به عنوان یکی از ابعاد حکومت‌مندی در تلاش است تا افراد را به گونه‌ای تربیت کند که مبدل به سوژه‌های رام و فرمان‌بردار شوند، سوژه‌هایی که وظیفه خود را صرفاً اطاعت از دیگران می‌دانند. این آپاراتوس در مؤسسات کنکور به شیوه‌های مختلفی به کنترل و مدیریت دانش‌آموزان می‌پردازد که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

¹ billboard

² panopticon

³ panoptic

⁴ organization

⁵ regulatory institution

⁶ Omalley

⁷ correction

الف - آپاراتوس ارائه برنامه‌های درسی - آموزشی

یک نمونه از چگونگی اعمال آپاراتوس نظارتی و انضباطی، ارائه برنامه‌های درسی-آموزشی است که به شکل منظم، معمول و روتین در هر شرایطی به شکل روزانه، هفتگی، ماهانه و سالیانه توسط متخصصان موفقیت تحصیلی (مشاوران- روانشناسان و پشتیبانان) ارائه می‌شود. متخصصان موفقیت تحصیلی در این مؤسسات اغلب در مصاحبه‌ها، مشاوره‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود صراحتاً می‌گویند که سیستم برنامه‌ریزی درسی که آن‌ها تهیه، تدوین و توصیه می‌کنند مبتنی است بر یک مدیریت موفقیت جهانی نرم‌افزاری که در نظام‌های آموزشی نو لیبرال مورد تأکید و رشد یافته است. بر مبنای این شکل از مدیریت جهانی نو لیبرال، پیش‌شرط و زمینه موفقیت، حکومت‌مندی و شکل‌گیری سوژه‌های منقاد و فرمان‌بردار^۱ است (Lorenzin, 2018: 218). به عبارت دیگر دانش‌آموزان در درجه نخست باید به اهمیت موفقیت در کنکور پی ببرند که لازمه این کار در ارتباط دائم بودن با متخصصان موفقیت تحصیلی و حرف‌شنوی از آن‌ها و اجرای کامل برنامه‌های درسی و آموزشی است که آن‌ها برایشان تهیه و تدوین نموده‌اند. به تعبیری دیگر، پیش‌شرط و پیش‌نیاز موفقیت، آماده نمودن سوژه‌های رام و فرمان‌بردار (بهنجار) است که به واسطه ارتباط با متخصصان موفقیت تحصیلی این امر ممکن می‌شود.

بنابراین هدف از مدیریت نرم‌افزاری دانش‌آموزان، ارائه برنامه درسی و آموزشی، انجام آزمون‌های متعدد، انجام مشاوره‌های فراوان انگیزشی MC، مستندسازی، انجام محاسبات کمی و آماری (اسطوره تبدیل امور کیفی به کمی) و ارائه گزارش‌های کمی، به کنترل و به رؤیت درآوردن رفتار و افکار دانش‌آموزان است. لذا در این معنا گفتمان حکومت‌مندی موفقیت تحصیلی، مبتنی است بر جریان جهانی نو لیبرال آموزشی است که بر طبق آن‌هم دانش‌آموزان و هم والدین آن‌ها بایستی به نظام و سیستم برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک وظیفه و تکلیف درسی باور داشته باشند. محتوا و فهرست این برنامه‌های درسی، وظایف ضروری روزمره دانش‌آموزان و حتی والدین آن‌ها را مشخص می‌کند که با هدف ترغیب و تشویق آن‌ها به پایبندی به رعایت کردارها و مناسک روزانه انجام می‌گیرد. این آپاراتوس انضباطی (به‌کارگیری نظارت دائمی) در سراسر آموزشگاه‌های آزاد کنکور با ایده تنظیم رفتار و افکار دانش‌آموزان انجام می‌گیرد و شامل برنامه‌های درسی روزانه، هفتگی، ماهانه و حتی سالانه با هدف کسب موفقیت در آزمون‌های سراسری است و کلیه ابعاد زندگی روزمره آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

یک برنامه آموزشی عموماً به‌عنوان متن در یک نسبت زبان‌شناختی و به‌مثابه یک قطعه‌ای از زبان نوشتاری و غیر نوشتاری فهم می‌شود. بنابراین به‌منظور فهم بیشتر این متون، بایستی به تحلیل انواع محصولات آموزشی از قبیل برنامه‌های درسی روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه، کتب و جزوات درسی و کمک‌درسی، سی‌دی‌ها و غیره پرداخت. این برنامه‌های درسی همانند هر متنی دیگر حاصل و نتیجه فضاهای گفتمان‌های اجتماعی حاکم است درنهایت، این برنامه‌های درسی و آموزشی تنها زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که در رابطه با مجموعه پیچیده‌تری از معانی که بر سازنده آن‌هاست، قرار گیرد. این مجموعه پیچیده از معانی چیزی جز اندیشه، عقلانیت و گفتمان نو لیبرالیسم نیست.

ب- خلق داده‌های بازاری به‌مثابه سوژه سازی

این مؤسسات با این هدف و نیت که اهمیت، اعتبار، مقبولیت و مشروعیت مؤسسات را هر چه بیشتر برای دانش‌آموزان و والدین به‌عنوان مشتری و مصرف‌کننده نشان دهند، به خلق داده‌های بازاری می‌پردازند. یکی از داده‌های بازاری که این مؤسسات بکار می‌برند و درواقع به‌واسطه آن سوژه‌های کنکوری را خلق می‌کنند. ارائه و معرفی نفرت برتر و رتبه‌های ممتاز دانش‌آموزان در

¹ governable

گروه‌های مختلف آموزشی است که در این مؤسسات بطور مستقیم و غیرمستقیم (حتی بدون هیچ ارتباطی با این مؤسسات) حضور داشته‌اند. این داده‌های بازاری منجر به ایجاد روحیه رقابت‌جویی در میان دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به‌منظور جذب شدن و ثبت‌نام در این مؤسسات باهدف شانس بیشتر قبولی در دانشگاه‌های برتر کشور است. درواقع خلق داده‌های بازاری دانش‌آموزان را مورد استیضاح و فراخوانی قرارداد و با فراخوانی آن‌ها به موقعیت‌های خاص، سوژه موردنظر خود را خلق می‌کنند.

ج - آپاراتوس هم‌ردیف کردن (بهنجارسازی و طبیعی سازی)

آپاراتوس و فناوری دیگری که این مؤسسات برای تولید سوژه موردنظر خود بکار می‌گیرند، هم‌ردیف کردن و همانند کردن اهداف خود با اهداف اقتصادی گفتمان نو لیبرالیسم است که در راستای رقابت برای رسیدن به موفقیت فردی^۱ است رقابتی که تحت عقلانیت اندیشه نو لیبرالیسم صورت‌بندی و مفهوم‌پردازی شده است. در این مؤسسات دانش‌آموزان با فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، سطوح یادگیری، احساسات و عواطف و پیش‌زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مختلف نهایتاً به‌عنوان یک کل واحد گروه‌بندی و یکسان‌سازی می‌شوند و برچسب واحد و کلی کنکوری یا کنکور گونه^۲ بر آن‌ها زده می‌شود. به‌بیان‌دیگر تمام این تنوعات و گوناگونی‌ها، نهایتاً سوژه‌ی را تولید می‌کند که به زبان فوکویی، سوژه بهنجار نام دارد. به‌زعم وی با استفاده از آپاراتوس‌های قدرتمند روان‌شناختی و تبلیغاتی هم‌ردیف کردن، نهایتاً سوژه‌های «یکدست خودتنظیم‌گر» جعل می‌شود که کردارها، مناسک و افکار آن‌ها منطبق با گفتمان و عقلانیت نو لیبرال است. سوژه‌های فردی شده^۳، تک افتاده^۴ و اتمیزه شده‌ای^۵ که به‌طور ناخواسته و ناخودآگاه در یک مسیر نو لیبرال قرار گرفته‌اند.

د- آپاراتوس مستندسازی

قدرت انضباطی شدید این مؤسسات، دانش‌آموزان را در یک حوزه و میدانی از مستندسازی^۶ قرار می‌دهد. در این مؤسسات کلیه فعالیت‌ها و کنش‌های دانش‌آموزان ضبط، ثبت و نگهداری می‌شود. در این مؤسسات مشاهده نوشتاری در هم‌آیندی با مشاهده غیر نوشتاری، منجر به ثبت و ضبط جزئی‌ترین اطلاعات در ابعاد مختلف می‌شود. مستندسازی به‌عنوان مکانیسم و آپاراتوس نظارتی و انضباطی گسترده به‌منظور رؤیت پذیر کردن و در معرض دید قرار دادن رفتار و افکار دانش‌آموزان بکار می‌رود. در این مؤسسات دانش‌آموزان از طریق متخصصان موفقیت فردی در یک شبکه گسترده‌ای از رؤیت‌پذیری قرار می‌گیرند و با درج و ضبط و ثبت فعالیت‌های روزانه آن‌ها به شکل سیستماتیک در معرض دید متخصصان موفقیت تحصیلی قرار می‌گیرند. مشاهده و رؤیت‌پذیری سیستماتیک و گسترده دانش‌آموزان از طریق آپاراتوس مستندسازی به‌وسیله آن دانش‌آموزان بر مبنای برنامه‌های درسی و آموزشی که همواره ثبت و ضبط می‌شود، تحت نظارت، کنترل و مدیریت قرار می‌گیرند. به‌ویژه با رشد و توسعه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از قبیل وب‌سایت‌ها، واتساپ، تلگرام و اینستاگرام دانش‌آموزان به شکل گسترده و فراگیری در معرض رؤیت، مراقبت، نظارت، کنترل و مدیریت هستند. این تکنیک‌های انضباطی، مشاهده گسترده و ثبت منظم فعالیت‌ها، موقعیت‌ها و شرایط دانش‌آموزان (مستندسازی) همه در راستای «بهنجارسازی» انجام می‌گیرد. در این رابطه فوکو تأکید می‌کند که مکانیسم به‌نجارسازی^۷ شامل

¹ race to the top

² typical konkure

³ individulization

⁴ singular

⁵ atomization

⁶ documentation

⁷ noemalization

فرایندی است که از تمایزات، سلسله‌مراتب‌ها، همگنی‌ها و استثناها از طریق ابزارهای خلق یک هنجار به‌مثابه یک آستانه حداقلی، یک میانگینی از احترام و توجه به یک نقطه مطلوبی که بایستی به سمت آن حرکت کرد که بدین شکل افراد مقایسه و از یکدیگر متمایز می‌شوند، تشکیل شده است.

۵-۳-۲. آپاراتوسی مدیریت زمان (موضوع زمان در مؤسسات کنکور)

یکی دیگر از انواع آپاراتوسی‌های سوژه سازی مؤسسات کنکور «مدیریت زمان» است. این بخش توصیفی است از مدت‌زمانی که دانش‌آموزان در این مسیر سپری می‌کنند. لذا هدف ترسیم و توصیف و مفهوم‌پردازی بعد زمان در مؤسسات است. بعد زمان به‌عنوان یک ابزار کلیدی و آپاراتوسی مهم نظارتی به شکل گسترده بکار گرفته می‌شود که هدفش تنظیم رفتارها و افکار و نیز کنترل و مدیریت بر هیجان‌ات و احساسات دانش‌آموزان از طریق آنچه فوکو «تکنولوژی خود» می‌نامد، است. این مؤسسات از طریق متخصصان موفقیت فردی، برنامه‌های درسی روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه مفصل و گسترده‌ی را برای دانش‌آموزان تهیه و ارائه می‌دهند که کل ساعات روزانه آن‌ها را پوشش می‌دهد. این برنامه‌های مفصل، تمام فعالیت‌های دانش‌آموزان را چه مربوط به درس خواندن و چه مربوط به امور عادی و روزمره زندگی را از نظر زمانی تحت کنترل و مدیریت قرار می‌دهد. متخصصان موفقیت فردی از دانش‌آموزان می‌خواهند که فعالیت‌های منظم روزانه خود را به‌دقت انجام و گزارش دهند این برنامه‌ها با این سوال آغاز می‌شود که چه نوع فعالیت‌هایی، در چه بازه زمانی بایستی انجام پذیرد. فعالیت‌های روزانه موبه‌مو و جز به‌جز و دقیق حتی زمان ناهار خوردن، استراحت، تفریح را در برمی‌گیرد. این مؤسسات به درجات و ترازهای مختلفی به دانش‌آموزان القاء می‌کنند که طبق برنامه‌های تنظیم‌شده در زمان‌های مشخص و پیش‌بینی‌شده عمل نمایند. علاوه بر این توصیه‌های مشاوره‌ای متخصصان موفقیت تحصیلی همواره این ایده را در دانش‌آموزان یادآور و گوش زد می‌کند که «بعد چه اتفاقی خواهد افتاد»^۱. برنامه‌های درسی و آموزشی این آموزشگاه‌ها، بر اساس تفسیر جان پیجت^۲ در صورت‌بندی اولیه‌اش تأکید بر مفهوم تنظیم زمان به‌مثابه یکی از کلیدی‌ترین آپاراتوسی‌های تولید سوژه دانش‌آموزی محسوب می‌شود. پیش‌بینی کردن، به خاطر آوردن و توصیف کردن توالی حوادث از مفاهیم کلیدی آپاراتوسی مدیریت زمان تلقی می‌شود که دانش‌آموزان در متن فعالیت‌های روزانه‌شان می‌توانند و باید فهم نمایند.

۵-۳-۳. آپاراتوسی مشاوره انگیزشی

مشاوره‌های انگیزشی^۳ متد گفتگویی مبتنی بر شواهد است که به‌طور گسترده و فراگیری، مؤسسات کنکور با کمک متخصصان موفقیت فردی برای خلق سوژه موردنظر خود استفاده می‌کنند این تکنیک برای فشار بر دانش‌آموزان به‌منظور قبول شرایط و اهداف مؤسسات طرح‌ریزی و مدون شده است (Lauri, 2019: 113). از طریق مشاوره‌های انگیزشی، به‌عنوان یکی از آپاراتوسی‌های حکومت‌مندی، دانش‌آموزان در وضعیتی قرار می‌گیرند که مجبور به گزینش‌هایی می‌شوند که در راستای گفتمان حاکم بر مؤسسات کنکور است. این آپاراتوسی (MC) که به‌طور وسیع و گسترده‌ای به‌وسیله «متخصصان موفقیت فردی» (NSP) در طی دهه‌های اخیر تحت عناوین گوناگونی چون راهنمایی و تنظیم برنامه‌ریزی درسی، راهنمایی و مشاوره برای تنظیم وقت و زمان، راهنمایی و مشاوره برای انتخاب رشته، راهنمایی و مشاوره برای چگونه مطالعه کردن، مشاوره و راهنمای برای رفع موانع و مشکلات فردی و خانوادگی فعالیت نموده و به خلق و شکل‌گیری سوژه کنکوری پرداخته‌اند. این آپاراتوسی به‌واسطه کنشگرانی که در این مقاله به آن‌ها

¹ What comes next

² Piaget, J

³ motivaton consulting

متخصصان موفقیت فردی لقب داده‌ایم، متکی است بر هدایت و برنامه‌ریزی‌هایی که به‌واسطه آن میل دانش‌آموزان به سمت‌وسوی خاص برانگیخته می‌شود تا شرایط تحصیلی و زندگی دانش‌آموزان را تغییر دهند. شعارها و سخنان این متخصصان، منجر به تقویت این باور در دانش‌آموزان می‌شود که اگر به این مؤسسات مراجعه نکنند در حاشیه‌ناامن خواهند بود و دستیابی به موفقیت امری دشوار و دور از دسترس است (عسگری و دیگران، ۱۳۹۷). آن‌ها با به‌کارگیری این تکنیک با انواع ترفندها تلاش دارند با ارائه دستورالعمل‌ها و برنامه‌های روزانه، هفتگی و حتی سالیانه، دانش‌آموزان را در مسیر خاص قرار دهند لذا اگر از لنز حکومت‌مندی به موضوع نگاه کنیم، گسترش این آپاراتوس و به‌کارگیری فراگیر آن درنهایت سوژه کنکوری خلق خواهد شد و تحت چنین نظارتی و به قول فوکو آپاراتوس سراسر بین^۱، مشاوره‌های انگیزشی به‌مثابه تکنیکی برای شکل‌دهی به سوژه دانش‌آموزی قابل‌فهم است. در این روش از واژه‌ها و لغات انگیزشی، احساسی عاطفی و شناختی که در درون گفتمان و ایدئولوژی موفقیت پنهان است، به‌کرات استفاده می‌شود. از طرف دیگر در طی سال‌های اخیر گرایش داوطلبین برای شرکت در رشته‌های مطلوب و بازاری از قبیل پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، مهندسی، حسابداری، حقوق و غیره در دانشگاه‌های مادر شدت یافته و همچنین مسئله رقابت برای تصاحب صندلی این رشته‌ها سخت و پیچیده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد رتبه‌های زیر ۱۰۰ کنکور از مشاوره بهره گرفته‌اند هرچند اغلب آن‌ها بنا به دلایلی داشتن متخصصان موفقیت فردی را کتمان می‌کنند این متخصصان موفقیت فردی تحت عناوینی چون شناسایی استعدادها، بالقوه دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌های موفقیت تحصیلی، کمک به دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی، آموزش شیوه‌های صحیح مطالعه، افزایش قدرت تمرکز، مدیریت استرس و اضطراب، افزایش انگیزه و اعتمادبه‌نفس و حتی رژیم‌های غذایی ویژه برای افزایش عملکرد حافظه و کاهش فرآیند خستگی، برنامه‌ریزی تحصیلی، کاهش استرس و... دانش‌آموزان را به موقعیت‌هایی فراخوانده که آن‌ها را مبدل به سوژه کنکوری می‌کنند.

۵-۳-۴- آپاراتوس سیاست‌های آموزشی اجباری

اعمال سیاست‌های آموزشی اجباری آپاراتوس دیگری است که در چارچوب این مؤسسات برای خلق سوژه کنکوری بکار برده می‌شود. از دیدگاه فوکو آموزش اجباری که حول آن نوعی از دانش یعنی سیاست‌های آموزشی، پداگوژی و برنامه آموزشی درباره کودکان شکل گرفته، منجر به آن شده که هویت دانش‌آموزان از طریق مؤسسات ایجاد شود. در نتیجه آموزش‌های اجباری به ابزاری تبدیل شده در جهت تبدیل کودکان به بزرگ‌سالی و شهروندی است (عالی، ۱۳۹۱: ۲۶) این مؤسسات به شیوه‌های نظام‌مند و روش‌مند و مبتنی بر علوم روان‌شناختی و تربیتی دانش‌آموزان را مقید می‌کنند که صرفاً علمی را فراگیرند که در موفقیت فردی آن‌ها در آزمون سراسری کنکور مؤثر و مفید باشد. لذا با محدود کردن دانش‌آموزان به یادگیری و تمرکز بر دروس خاص و انتخاب رشته‌های تحصیلی خاص توان آن‌ها را در انتخاب رشته تحصیلی موردعلاقه خود بازداشته و آن‌ها را به سوژه موردنظر تبدیل می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر در این مؤسسات صرفاً توجه به دروس، رشته‌ها، متدها و مواد آموزشی خاص است و صرفاً این امور توصیه می‌شوند. در این رابطه نه‌تنها ساختمان‌ها و فرم‌های معماری مؤسسات آموزشی به‌عنوان یک آپاراتوس مهم در تولید سوژه مؤثرند بلکه جهت‌دهی به سمت متون و کتب درسی خاص نیز در بر ساخت سوژه موردنظر مهم و اساسی است.

¹ panopticon

۵-۳-۵. آپاراتوسی اضطراب

اضطراب^۱ یکی از ویژگی‌های سیستماتیک محافظه‌کارانه نو لیبرالیسم تلقی می‌شود که به‌واسطه آن سوژه شکل می‌گیرد. اضطراب بیانگر به‌کارگیری نظریه روانکاوانه برای گسترش عقلانیت اندیشه حکومت‌مندی نو لیبرال است. در اندیشه حکومت‌مندی نو لیبرال، اقتصاد و دولت منشأ قدرت به‌حساب نمی‌آیند بلکه اقتصاد و دولت به‌عنوان ابزارها و میانجی‌های قدرت و نقطه اتکا روابط قدرت فهم می‌شوند بر همین اساس در نو لیبرالیسم نقطه اتکای قدرت به‌وسیله مدیریت و کنترل اضطراب توصیف می‌شود (Krce-Ivančić, 2018: 2). سوژه‌های نو لیبرال از طریق مدیریت و کنترل اضطراب بر ساخت می‌شود. به‌زعم اسپواک^۲ (115: 2012) نو لیبرالیسم از طریق، تغییرات اپستمیک که به‌وسیله کنترل و ایجاد اضطراب در افراد ایجاد می‌شود، سوژه را تولید می‌کند به باور او هژمون شدن نو لیبرالیسم و مبدل شدن آن به شعور عامه^۳ به خاطر نقشی است که از طریق کنترل اضطراب در فرایند سوژه سازی دارند. برنامه‌های فشرده مؤسسات، مشاوران و پشتیبانان تحصیلی پرتوقع، عدم توانایی دانش‌آموزان در تطبیق خود با بودجه‌بندی آزمون‌ها و.. موجب می‌گردد تا ما شاهد علائم فشار روانی همچون اضطراب، خستگی، ناامیدی در دانش‌آموزان باشیم. برنامه‌ریزی‌های فشرده، کم‌توجهی به علائق، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، تداخل برنامه‌های مؤسسات با برنامه‌های مدرسه، حجم بالای تکالیف، عدم تحقق علائق، استفاده از شیوه‌های آموزشی نامناسب، انتظارات نا به‌جا، برنامه‌های فشرده آزمون‌های دوره‌ای بافاصله محدود از جمله دلایل اضطراب و استرس در دانش‌آموزان می‌شود.

مؤسسات کنکور به‌واسطه کثرت اضطراب‌ها و استرس‌های که در دانش‌آموزان است سعی می‌کنند با ترفندها و تکنیک‌های مختلف این اضطراب‌ها و استرس‌های را مدیریت و کنترل نموده و به‌نوعی رفتار و افکار دانش‌آموزان را جهت دهند. به تعبیری دیگر سوژه و فیگوری که توسط مؤسسات جعل می‌شود فرایندی عقلانی و تحت تأثیر انتخاب عقلانی نیست، بلکه عوامل غیرعقلانی همچون عوامل احساسی و هیجانی (اضطراب و استرس) مدخلیت دارند. از سوی دیگر از بزرگ‌ترین علل مراجعه به آموزشگاه‌ها، استرس‌های روانی قبولی در کنکور است که دانش‌آموزان را به مراجعه به این آموزشگاه‌ها به‌قصد قبولی تضمینی در کنکور وادار می‌کند (لرگانی و محمدی، ۱۳۹۶ به نقل از حسینی، ۱۳۸۸). الزامی که این مؤسسات به وجود می‌آورند، بر این مبنا نیست که دانش‌آموزان هویت خود را می‌سازند بلکه کنترل و مدیریت هیجانات این الزام را تلقین می‌کنند که سوژه خارج از انتخاب‌های عقلانی شکل می‌گیرد چراکه دانش‌آموزان نمی‌توانند از محیط‌های غیرعقلانی جدا شوند. نتیجه اینکه حکومت‌مندی فعال مؤسسات عبارت است از تحت کنترل و مدیریت درآوردن اضطراب است به همین دلیل سوژه کنکوری از طریق کنترل اضطراب تولید می‌شود.

۵-۳-۶. آپاراتوسی رویا فروشی^۴

با برآمدن نو لیبرالیسم و هژمون شدن گفتمان موفقیت فردی، ایده رشد و گسترش رو یا فروشی DS در درون مؤسسات کنکور به‌مثابه آپاراتوسی برای خلق سوژه نو لیبرال دانش‌آموزی گسترش و رواج یافته است. به‌زعم برخی از پژوهشگران روند گسترش این‌گونه سیاست‌ها در راستای گسترش فردیت و نفی امر اجتماعی است (زائری و نریمانی، ۱۳۹۶). آپاراتوسی رو یا فروشی و رؤیاپردازی از تکنیک‌ها و آپاراتوسی‌های مبتنی بر سیاست‌های آموزشی نو لیبرال است که با کمک انواع ترفندهای تبلیغی به شکل گسترده در این مؤسسات استفاده می‌شود. به‌زعم برخی از پژوهشگران گسترش رؤیاپردازی و رو یا فروشی در بین نوجوانان و جوانان،

¹ anxiety

² Spivak

³ common sense

⁴ Dream sole

بازنمایی کننده راه حلی برای ثبات نابرابری‌های اجتماعی و آموزشی در انگلستان و سایر کشورهاست که پس از برآمدن نو لیبرالیسم آغاز شده است (Gale and Parker, 2015). این آپاراتوس که با استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی انجام می‌شود، شامل القا کردن رویاها و آرزوهای غیرواقعی است. بررسی و تحلیل‌های رؤیا فروشی با کمک نظریه حکومت‌مندی فوکو به‌عنوان شیوه جدید نو لیبرال این امکان را به ما می‌دهد که با استفاده از آرشیوها و اسناد موجود به نقش این آپاراتوس در سوژه شدن دانش‌آموزان بپردازیم. در بسیاری از آگهی‌های تبلیغاتی این مؤسسات و بخصوص در لوگو تایپ‌های (آرم) آن‌ها، نشانه‌هایی از رؤیاپردازی و اسطوره‌سازی به چشم می‌خورد. این مؤسسات با کمک این آپاراتوس چنین القاء می‌کنند که دانش‌آموزان با آشنا شدن و ثبت‌نام کردن در این مؤسسات و استفاده از محصولات و خدمات مشاوره‌ای آن‌ها از اضطراب، سردرگمی، بی‌برنامگی و افسردگی‌های می‌یابند و نسبت به آینده امیدوار خواهند شد. در واقع به‌کارگیری این آپاراتوس تداعی‌کننده، تکنیک اقناعی سرزمین موعود و یوتوپایی است که در آن کالاها و خدمات مؤسسات به شیوه اغراق‌آمیز و یوتوپیاگونه ای به‌عنوان حلال مشکلات معرفی می‌شوند تا نوجوانان را به اهداف آرمانی و رؤیایی خود برسانند (Andrew, 2013: 26).

خلق رؤیا، رؤیاپردازی و اسطوره‌سازی به‌عنوان یک آپاراتوس مهم در سوژه‌سازی در آگهی‌های تبلیغاتی این مؤسسات بشدت موج می‌زند و جملات، پیام‌ها، تصاویر و کلیپ‌هایی که نشان‌دهنده آپاراتوس اسطوره‌سازی است در سراسر این آگهی‌هایی تبلیغی به شکل گسترده و دهشتناکی مشاهده می‌شود. از جمله تکنیک‌ها و ابزارهایی که در این آپاراتوس بکار گرفته می‌شود عبارت‌اند از لوگو تایپ‌های مؤسسات، مصاحبه با رتبه‌های برتر کنکور، نشر تصاویر و تهیه کلیپ‌های از نفرات برتر کنکور، نشر آگهی‌های تبلیغاتی رویاپردازانه و اسطوره‌ای و نشان دادن سرزمین‌های رؤیایی، تصاویر رؤیایی از درب ورودی دانشگاه‌های مادر (مانند دانشگاه تهران)، نشان دادن لباس و کلاه مخصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در آگهی‌های تبلیغی و غیره.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از رایج‌ترین مفروضه‌هایی که در ادبیات مربوط به فرهنگ‌سازمانی وجود دارد، تأکید بر نقش سازمان‌ها اصلی آن‌ها در ساختن سوژه است (Handelman, 2020; Foucault, 1988). نظم اجتماعی جدید (نو لیبرالیسم آموزشی) در ایران پس‌اجنگ یک سناریوی جدیدی از سوپژکتیویته خلق نمود که شامل ویژگی‌های هویتی جدیدی است که در فضای فرهنگی و فکری گذشته (قبل از جنگ) وجود نداشته است. این سناریوی جدید با کمک مؤسسات کنکور این فرهنگ جدید را گسترش داده است. علاوه بر این یافته‌های موجود نشان می‌دهد که چگونه این مؤسسات سوژه‌های دانش‌آموزی را با یک درک هرمنوتیکی خاصی از خود تجهیز نموده‌اند و اینکه آن‌ها چگونه زندگی پدیدار شناختی خودشان را سال‌های بعد از تحصیل در زندگی مدیریت کنند.

بنابراین در پاسخ به سؤال اول مقاله (بستر تاریخی - اجتماعی شکل‌گیری مؤسسات کنکور) و در راستای مطالب و آرشیوهای بررسی شده اینگونه می‌توان بیان کرد: اسناد و آرشیوهای نشان می‌دهد که خاستگاه و آغازگاه این مؤسسات در ابتدا بر مبنای نیاز جامعه دانش‌آموزی به آموزش‌های تکمیلی و آموزش‌های لازم برای ورود به دانشگاه‌ها بوده است و بعدها با توجه به اهداف و اغراض اقتصادی در امر آموزش، به سرعت این مؤسسات هویت جدیدی (هویت اقتصادی) پیدا کرده و بر تعداد آنها افزوده شد. این مؤسسات با برآمدن نظم اقتصادی - سیاسی جدید تحت عنوان نئولیبرالیسم در سال ۱۳۶۸ تغییر ماهیت و کارکرد داده و در اقصی نقاط کشور گسترش یافته است.

بنابراین شکل‌گیری اولیه مؤسسات کنکور به پیش از انقلاب برمی‌گردد اما پس از انقلاب و خاتمه جنگ تحمیلی با برآمدن نئولیبرالیسم در ایران و شدت یافتن سیاست‌های خصوصی‌سازی از آغاز دهه ۷۰ سهم مؤسسات خصوصی از آموزش از ۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۴ درصد در سال ۹۶ رسیده که مجموع این عوامل منجر به شکل‌گیری مؤسسات کنکور با هویت و کارکرد جدید شد.

در پاسخ به سوال دوم مبنی مقاله مبنی بر استفاده و بکارگیری آپاراتوس های سوژه سازی که این موسسات بکار می گیرند، بررسی اسناد و آرشیو هانشان می دهد که این موسسات بکارگیری انواع آپاراتوس های تبلیغی مختلف زیست جهان دانش آموزان راهدف قرار داده و سوژه بهنجار خود که همان سوژه کنکوری است را تولید نموده اند.

تحلیل ساختاری ما از سناریوی جدید سوژه (سوژه کنکوری) در ایران پساجنگ نشان می دهد که این سوژه ها از ویژگی های برخوردارند. آنچه اهمیت خاصی دارد این پرسش است که دانش آموزان پس از ورود به این مؤسسات چه مشخصاتی جدیدی را پیدا می کنند. یافته های این پژوهش بیانگر تجربه رؤیت پذیر شدن و به رؤیت درآمدن خود جدید است. این تجربه جدید مربوط می شود به ویژگی های سوژه جدید که در چارچوب مؤسسات کنکور ممکن شده است. در این پژوهش به تحلیل و بررسی چگونگی تحت مدیریت و کنترل قرار گرفته دانش آموزان در پرتو حاکمیت گفتمان موفقیت تحصیلی پرداختیم. تحلیل های تبارشناسانه نشان داد که تأثیر گفتمان موفقیت تحصیلی با کمک انواع آپاراتوس های قانونی-حقوقی، انضباطی-نظارتی، نهایتاً سوژه خاصی را شکل می دهند. در آپاراتوس حکومت مندی، نظارت و کنترل منجر به بازتولید سوژه های می شود که از آن تحت عنوان سوژه کنکوری یا نو لیبرال یاد کردیم.

مؤسسات کنکور با به کارگیری انواع تبلیغات، تهیه و تدوین انواع برنامه های درسی، رؤیا فروشی، انجام مشاوره های انگیزشی به مثابه انواع آپاراتوس های حکومت مندی از مجموعه تکنیک ها و استراتژی های روان شناختی استفاده می کنند. این مؤسسات به عنوان نمادی از رابطه قدرت/دانش، تلاش دارند با انواع آپاراتوس های موجود، قدرت خود را اعمال نموده و به هنجار سازی و ترغیب دانش آموزان به انجام کنش های خاص به اهداف خود برسند. این مؤسسات با انواع حربه های تبلیغی، دانش آموزان را وادار به ثبت نام در این مؤسسات نموده، و با تحمیل انواع آپاراتوس های انضباطی، کنترلی و قانون گونه، سوژه مورد نظر خود را خلق می کنند. برنامه های آموزشی که به عنوان یک آپاراتوس انضباطی تلقی می شود، متضمن یک قاعده نظارتی^۱ است که شبکه قدرت/دانش، آنرا به سمت وسوی خاصی هدایت می کند. عمل به انجام این برنامه های درسی به مثابه مکانیسم مسئولیت سازی تلقی می شود که مشاوران و روانشناسان آنرا لازمه موفقیت در کنکور تلقی می کنند و لذا عمل به این برنامه های درسی، عنصر کلیدی کنترل و نظارت بر دانش آموزان تلقی می شود.

مقایسه یافته های بدست آمده این پژوهش با یافته های دیگر پژوهش هانشان می دهد که پژوهش پیش روه به دلایل زیر نسبت به پژوهش های دیگر نکات مثبت، مزایای بیشتری برخوردار است:

۱- عمده پژوهش های انجام شده در خصوص مؤسسات کنکور پوزیتیویستی و کمی گرا بوده و پژوهش تبارشناسانه در این مورد تا بحال صورت نگرفته است. به تعبیری دیگر باینش تبارشناسانه توجه به آغازگاه شکل گیری این مؤسسات و توجه به بسترهای تاریخی - اجتماعی شکل گیری آنها انجام نشده است.

۲- این پژوهش توجه خاص و ویژه ای به پیوند نقش و تاثیر روابط قدرت / دانش در بر ساخت سوژه بهنجار (سوژه کنکوری) و توجه به شرایط گفتمانی و غیر گفتمانی در ظهور و بروز مؤسسات کنکور و خلق سوژه کنکوری دارد.

۳- عمده پژوهش های انجام شده در خصوص مؤسسات کنکور عمدتاً متمرکز بر بیان آسیب های روان شناختی و تحصیلی دانش آموزان بوده بدون اینکه مسئله رادرنسبت بانحوه ساخت یابی و بر ساخت سوژه دانش آموزی در نسبت بامناسبات اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی و توجه قرار دهد. در حالیکه پژوهش پیش روه با استفاده از جعبه ابزار فوکوی و اندیشمندان پس فوکوی وبا نگاه پس ساختارگرایی تولید سوژه رادرنسبت بادیگری (تکنولوژی های قدرت) مورد بررسی قرار داده است.

¹ supervision formula

۷. منابع

- امیدیان مرتضی، رحمتی امین، فرهادی راد حمید (۱۳۹۷). تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن، نشریه آموزش عالی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲: ۲-۲۰.
- پارسائیان، فهیمه و عظیمی، منتظر (۱۴۰۰) واکاوی گفتمان تبلیغات تلویزیونی موسسه آمادگی کنکور: بررسی موردی سه تبلیغ تلویزیونی موسسه مدرسان شریف، پارسه و ماهان، فصلنامه علمی زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء، سال ۱۳، شماره ۳۸: ۳۰۱-۳۲۵
- حج فروش، احمد (۱۳۸۱). بررسی آسیب‌های کنکور، برنامه درسی دوره‌های درسی متوسطه و پیش‌دانشگاهی و ارائه روش مناسب برای رفع آسیب‌ها، موسسه برنامه‌ریزی درسی و فرآوری‌های آموزشی.
- حسینی لرگانی، مریم و محمدی، رضا (۱۳۹۶). تبیین اثرگذار بر مراجعه دانش‌آموزان به آموزشگاه‌های کنکور آزاد، فصل‌نامه اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال هفتم، شماره ۱: ۵۳-۸۹
- زائری، قاسم و نیرمانی، آرش (۱۳۹۹). نفی امر اجتماعی، گفتارهای فردگرایانه در ایران پساجنگ مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۷، شماره یک.
- سبحانی، عبدالرضا و شهیدی مهرداد (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۳، ۱۶۱-۱۸۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عالی، مرضیه (۱۳۹۱). تبارشناسی انضباط در مدرسه: مبتنی بر مناسبات قدرت - دانش میشل فوکو، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- عسگری زهرا، کارشکی حسین، مهram بهروز (۱۳۹۷). پیامدهای روان‌شناختی-تحصیلی مؤسسات کنکور: مطالعه‌ای مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال ۱۴، شماره ۴۹: ۱۷۳-۲۰۲.
- فتح‌آبادی جلیل، شلانی بیتا، صادقی سعید (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها در ایران، نشریه روانشناسی فرهنگی، دوره ۱، شماره ۲: ۴۹-۷۱.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۵). امر روزمره در جامعه پسا انقلابی، تهران، انتشارات فرهنگ و جامعه
- کریمی، جلیل (۱۳۹۶). دانشگاه رازی (دانشگاه دربستر محلی - مجموعه مقاله)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کریمیان، جلیل (۱۳۹۹). مجموعه گزارش‌های فقر، نابرابری تعارض در آموزش و پرورش، دفتر مطالعات اجتماعی، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- کلاهی، محمدرضا (۱۳۹۸). ساخته شدن خود در زیست جهان دانش‌آموزی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱۲، ۳: ۲۰۹-۲۳۹
- کیانی، غلامرضا (۱۳۹۴). سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور: چرایی، چیستی و چگونگی تغییر، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، شماره ۴، ۱-۲۶.

Agamben, G (1994). What Is an Apparatus? Stanford: Stanford University Press.

Andrews, M., van Leeuwen, M. L., & van Baaren, R. B. (2013). Hidden persuasion: 33 psychological influence techniques in advertising. BIS Publishers

Barakos, E. (2016). Language policy and governmentality in businesses in Wales: A continuum of empowerment and regulation. *Multilingua*, 35(4), 361-391.

Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, W. M., Swidler, A., & Tipton, S. M. (2007). *Habits of the heart, with a new preface: individualism and commitment in American life*. Univ of California Press.

Chiang, T. H., Thurston, A., & Lee, J. C. K. (2020). The birth of neoprofessionalism in the context of neoliberal governmentality: The case of productive university teachers. *International Journal of Educational Research*, 103, 101582.

- Cushman, P. (1990). Why the self is empty: Toward a historically situated psychology. *American psychologist*, 45(5), 599.
- Dean, M. (1995). Governing the unemployed self in an active society. *International Journal of Human Resource Management*, 24(4), 559-583.
- Dean, M. (1999). *Governmentality: Power and rule in modern social*. London: Sage.
- Del Percio, A. (2018). Engineering commodifiable workers: language, migration and the governmentality of the self. *Language Policy*, 17(2), 239-259.
- Foucault, M. (1988). Technologies of self .In L .Martin, H. Gutman & P. Hutton (eds.), *Technologies of the self*: University of Chicago Press.
- Foucault, M. (2000). The subject and power in essential works of Foucault 1954-1984. (Vol 3) edited by J. Faubion.
- Gale, T., & Parker, S. (2015). Calculating student aspiration: Bourdieu, spatiality and the politics of recognition. *Cambridge journal of education*, 45(1), 81-96.
- Goffman, E. (1961). *Asylums: Essays on the social situation of mental patients and other inmates*. AldineTransaction.
- Hacking, I. (1991). Making up people .In: Heller TC, Sonsa M and Welbery DE (eds.) *Reconstructing Individualism: Autonomy, Individuality, and the Self in Western Thought*. Stanford.CA: Stanford University Press.
- Handelman, D. (2020). *Nationalism and the Israeli state: Bureaucratic logic in public events*. Routledge.
- Hook, D. (2005). Genealogy, discourse, 'effective history': Foucault and the work of critique. *Qualitative research in psychology*, 2(1), 3-31.
- Krce-Ivančić, M. (2018). Governing through anxiety. *Journal for Cultural Research*, 22(3), 262-277.
- Lamont, M (2000) *The Dignity of Working Men*. Harvard University Press, Cambridge.
- Lauri, M. (2019). Motivational Interviewing as Governmentality: Shaping Victims of Men's Violence into Responsible Subjects?. *NORA-Nordic Journal of Feminist and Gender Research*, 27(2), 112-124.
- Lorenzini, D. (2018). Governmentality, subjectivity, and the neoliberal form of life. *Journal for Cultural Research*, 22(2), 154-166.
- Nadesan, M. H. (2010). *Governmentality, biopower, and everyday life*. Routledge.
- O'Malley, M. J. (1996). Normalization of temporal-distance parameters in pediatric gait. *Journal of Biomechanics*, 29(5), 619-625.
- Rojo, L. M., & Del Percio, A. (2019). Neoliberalism, language, and governmentality. In *Language and neoliberal governmentality* (pp. 1-25). Routledge.
- Sakurai, K. (2004). University entrance examination and the making of an Islamic society in Iran: a study of the post-revolutionary Iranian approach to "konkur". *Iranian Studies*, 37(3), 385-406.
- Shoshana, A. (2007). The phenomenology of a new social category: The case of the gifted disadvantaged in Israel. *Poetics*, 35(6), 352-367.
- Shoshana, A. (2012). Governmentality, new population and subjectivity. *Subjectivity*, 5(4), 396-415.
- Skålén, P., Fellesson, M., & Fougère, M. (2006). The governmentality of marketing discourse. *Scandinavian Journal of Management*, 22(4), 275-291.
- Smilansky, M., & Nevo, D. (2018). *The gifted disadvantaged: A ten year longitudinal study of compensatory education in Israel*. Routledge.
- Spivak, G. C. (2012). *In other worlds: Essays in cultural politics*. Routledge.